

فرمودند آقای امیر کبیر دعوی نسبت به منفرد دارند و تقاضای تشکیل محکمه کرده اند جواباً عرض می کنم که معاکم عدلیه حاضر است و مطابق مقررات قانون تمام افراد این مملکت حق دارند از معاکم استفاده کنند و کسی مانع ایشان نبود و ممکن است مراجعه کنند و هر ضحالی بدهند این دو مطلب را چون بطور مقدمه فرمودند بنده هم مجبور بودم بطور مقدمه جواب عرض کنم ولی اینکه فرمودید آیا مجازاتی برای کسی که این املاک را خریده است مقرر شده است یا نه...

نظام الدوله - خریدار را عرض نکردم عرض کردم آیا مجازاتی برای فروشنده هست ؟

وزیر عدلیه - بعقیده بنده هم برای خریدار وهم برای فروشنده يك مجازات هائی هست و عدم اطلاع از قانون هنر نمی شود و در روی این اصل که باید تمام افراد مطلع از قوانین مملکتی باشند اگر کسی برخلاف قانون رفتار کند و ملك توقیفی را بفرد مجازات آن خریدار همین قدر بی است که ملك را از او بگیرند و مجازات فروشنده هم این است که در زحمت می افتد و عوض اینکه جواب يك طلبکار را بدهد باید دو طلبکار را جواب بدهد

خاتمه عرض میکنم که فروش این املاک از نقطه نظر خلاف قانون بودنش با موجود بودن مواد صریح قانون هیچ محل تردیدی نیست املاکی را که وزارت عدلیه مطابق قوانین و مطابق احکام شرع توقیف میکنند باید محکم محکمه را معترم شمرد

آقا سید یعقوب - توقیف مطابق قانون شرع نیست

وزیر عدلیه - اگر وزارت عدلیه املاکی را برای اینکه کلاه دیگری از سرش برداشته نشود توقیف میکنند البته نباید بگذارد آن املاک را بفروشد و باید بپردازد همانند که هر کس آن املاک توقیف شده را خریداری نماید آن معامله منزلزل است و اگر غیر از این باشد تأمین مدعی به معنی ندارد منطلق ندارد وقتی که من می خواهم مطابق قوانین مملکتی در عوض طلب خودم تقاضای توقیف کلی را بکنم باید آن توقیف معترم شمرده شود هر کس برخلاف قانون رفتار کند باید مجازات خود

نظام الدوله - چون فرمودند عقیده خودشان را اجرای قانون قرار داده اند و شخصاً هیچوقت يك عقیده را اظهار نمیکند جواباً عرض می کنم اجرای همین قانون جزا هم معترم است برای اینکه بر طبق فرمایش خودشان بعضی اینکه يك ملكی را که از محکمه قرار توقیف صادر شده و بصاحب ملك ابلاغ شده اگر مالک

آن را بفروشد يك مجازاتی برای آن شخص هست و نمی شود گفت قوانین جاریه مملکت را نسبت بقبیر باید مشمول داشت زیرا این مثل قضیه آن کسی است که بگویند ما تورا از بالای بلندی یائین می اندازیم تا عبرت سایرین بشود خوب است خودش را ببنداند و بعقیده بنده گمان نمیکنم توقیف ملك غیر برای دیگری مورد داشته باشد

وزیر عدلیه - گرچه در سؤال و جواب فقط عقیده يك نفر از نمایندگان معترم معلوم می شود و آن عقیده حاکی از افکار مجلس نیست باین ملاحظه بنده هم این فرمایش اخیر آقای نظام الدوله را فقط بعنوان عقیده شخصی ایشان تلقی میکنم ولی خیال می کنم برعکس است وقتی که قانون تأمین مدعی به میدهد و محکمه هم بر طبق قانون قرار توقیف ملكی را صادر می کند هر معامله که در اطراف آن بشود برخلاف قانون است بنابراین صدور حکم توقیف از طرف بنده مطابق مقررات قانون است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم سؤالی دارند

آقا سید یعقوب - در همین مسئله بنده ناچارم حکم شریفش را اظهار کنم

رئیس - پس بطور سؤال بفرمائید **آقا سید یعقوب** - در مجلس شورای ملی در جائیکه ما هستیم و مسائل شرعی خوانده ایم

رئیس - بطور سؤال بفرمائید **آقا سید یعقوب** - همین را می خواهم عرض کنم که توقیف سلب مالکیت نمیکند و هیچ چیز غیر از آنچه در قوانین شرع است سلب مالکیت نمی تواند بکند مگر بمیل خود مالک چنانچه در قرآن است لا تجارة من تراضا اگر محکمه مطابق قانون شرع حکم داد آنوقت ما هم می توانیم بگوئیم صحیح است

ولی توقیف کجا سلب مالکیت کرده است که وزیر می گوید من می خواهم سلب مالکیت بکنم و اینکه می فرمایند بر حسب قانون جزای عرفی باید مجازات شود قانون جزای عرفی هیچوقت اجرا نمیشود در زمان قنوت و جهالت وضع شده است بر فرض هم که آقایان عمل کنند سیاست را نسبت بفروشنده بیاورد نه نسبت بخریدار و تا حکمی بر علیه فروشنده صادر نشده باشد نمی شود او را مسلوب الاختیار نمود

رئیس - توصیه می کنم وقتی سؤال می کنید بطور سؤال باشد

وزیر عدلیه - بنده همین طور که آقای رئیس فرمودند بدقت فرمایشات

آقای وکیل معترم را گوش دادم ولی از آنجائی که از بنده سؤال کردم نفهمیدم کی بود بالاخره میدانم بچه جواب بدهم؟ ایشان يك چیزی بعقیده خودشان فرمودند ممکن است بنده این عقیده را داشته باشم یا نداشته باشم با وجود اینکه با طرز سؤال نماینده معترم من مکلف بجواب نیستم ولی جواب عرض می کنم نمی دانم ایشان از چه نقطه نظری قانون جزای عرفی را در بین آوردند در صورتی که اینجا هیچ اسم قانون جزای عرفی برده نشده من گفتم قانون اصول معاکمات حقوقی فرق است ما بین اصول معاکمات حقوقی و قانون جزای عرفی اما اینکه فرمودند شرعاً توقیف سلب مالکیت نمی کند بنده خودم میدانم اساساً آن شخص مالک است ولی مادامی که محاکمه خاتمه نیافته نمی تواند آن شئی یا ملك توقیف شده را بصرف فروش برساند و اساس مالکیت خود را بدیگری انتقال دهد ولی هر گونه تصرفاتی میتواند بکند می تواند محصولش را ببرد گندمش را حمل کند پس اگر مالک این حق را هم یعنی حق فروش ملك توقیف شده را هم داشته باشد تأمین مدعی به چه معنی دارد؟

فرض بفرمائید من امروز مدعی هستم و اطمینان دارم که در ضمن جریان محاکمه مدعی علیه دارائی خودش را از دست میدهد و پس از زحمات زیاد و خاتمه محاکمه و صدور حکم يك ورقه بالا بلند افلاس جلوی من خواهد گذاشت در اینصورت جز تقاضای تأمین مدعی به کار دیگری می توانم بکنم پس مدعی حق دارد که برای ادعای خودش تقاضای تأمین بکند وقتی که شما قائل شدید که مدعی این حق را دارد که از اموال منقول و غیر منقول مدعی علیه تأمین مدعی به بخواهد در اینصورت مدعی علیه حق ندارد از يك قسمت حق مالکیت خودش یعنی نقل و انتقال بدیگری استفاده نماید و اگر غیر از این باشد بچه وسیله می شود طلب های مردم را تأمین کرد در اینصورت توقیف اموال منقول و غیر منقول بعنوان تأمین مدعی به چه معنی دارد؟ بنا بر این بنده باز هم تکرار می کنم که بنده فقط و فقط مجری قانون هستم

آقا سید یعقوب - بنده هم فقط عرض این بود که بشما خاطر نشان کنم که توقیف سلب مالکیت نمیکند

رئیس - جلسه آتیه روز سه شنبه سه ساعت بفروب مانده دستور اولاً رابورت کمیسیون عرایض راجع بییشنهاد وزیر مالیه نسبت ببعضی مستمریات

شیخ الاسلام - در آن جلسه وعده فرمودید بییشنهاد راجع بگزارون که طبع شده برای روز سه شنبه جزو دستور می شود **رئیس** - بییشنهاد العاقب آب کارون

بزیاننده رود هم جزو دستور میشود **ارباب کیخسرو** - بییشنهادی که کرده بودم خوشبختانه چهل نفر از آقایان هم امضاء کرده بودند و فرمودند در جلسه آتیه رأی می گیریم استدعا میکنم آنهم جزو دستور باشد **رئیس** - این حتمی است چون گفته شده بود جزو دستور است تکرار نشد

رئیس الوزرا - لایحه تشکیلات وزارت داخله است چون وزارت داخله يك تشکیلاتی که از مجلس شورای ملی گذشته باشد نداشت باین واسطه گاهی يك تغییراتی در وزارت داخله داده میشد که فی الواقع اسباب سوء جریان امور میشد برای اینکه از تعبیرات مصون بماند و يك ترتیب اساسی پیدا کند این لایحه که راجع بتشکیلات مرکزی و تشکیلات حکومتی است بییشنهاد می شود و بنده توجهات آقایان نمایندگان را باین لایحه معطوف میدارم که توجهی بفرمائید که زودتر بگذرد (تسلیم آقای رئیس نمودند) (مجلس رأسه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۹
صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و سوم حوت ۱۳۰۰ مطابق چهاردهم رجب ۱۳۴۰
مجلس دو ساعت قبل از فروپ ریاست آقای موتن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم شنبه بیستم حوت را آقای سهام السلطان قرائت نمودند **رئیس** - ایرادی نسبت بصورت مجلس هست یا نه (گفته شد خیر) **رئیس** - صورت مجلس تصویب شد لایحه الحاقیه آب کارون بزیاننده رود مطرح است شور دوم است (آقای سهام السلطان ماده اول را به شرح ذیل قرائت نمودند) مجلس شورای ملی برای تهیه وسایل الحاق آب کوه رنگ بزیاننده رود مبلغ سیصد هزار تومان بوزارت فواید عامه اعتبار می دهد

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه) **ارباب کیخسرو** - بنده قبلاً عرض می کنم مثل آن دفعه سوء تعبیر نشود که بنده مخالف با اساس این امر هستم خیر بنده کمال موافقت را دارم ولی آن چه که عرض می کنم راجع به بی اساس این لایحه است بنده از شور اول ملاحظه داشتم بر طبق آن هم بییشنهادی دادم که اگر مبلغ نشود برای اینکه بموجب اظهارات خود آقای وزیر فواید عامه و معبر معترم و بیانات آقایانی که از این لایحه دفاع می کردند معلوم شد که هنوز بییشنهادی

صحيح نشده و زمينه صحيحى بدست نيامده است در اين صورت من نمى دانم اين سيصد هزار تومان را از روى چه مآخذ نوشته اند و اين ماده هيچ نفعى نكرده و باز همان سيصد مليون تومان را كه در شوراول نوشته بودند حالا هم هست فقط اسم رود كارون به گورنك مبدل شده و شكل عبارت تغيير کرده ولى اصل مطلب همان است كه در شور اول هم بود بنده نمى دانم اگر همان قسمى كه فرمودند هنوز مهندسى نشده است و هنوز اين مسئله تمام مجارى خودش را طى نكرده است از روى چه اساسى اين سيصد هزار تومان را ميزان گرفته اند و همين ماده ثانى بهترين دليل است كه اين سيصد هزار تومان از روى مآخذ صحيحى نيست براى چه براى اين كه در آخر ماده دوم گفته مى شود و در صورت عدم موفقيت كليده سيصد هزار تومان به عهده اهالى است و بدولت وجهى تعلق نخواهد گرفت اين عبارت كاملا مى رساند كه يك چيزى ندانسته و تحقيق نشده از روى يك خيالى پيشنهاده شده است بنده عرض مى كنم چرا هائل كند كاري كه باز آرد پشيمانى چرا اين جا يك چيزى را پيشنهاده كند و بگويند اگر نشد ضررى متوجه دولت نمى شود پس بهتر اين بود در صورتى كه تصور مى كنند اين كار صورت نمى گيرد مبلغ را هم معين نكنند و بطور كلي بنويسند هر چه خرج شد تعلق با اهالى باشد بدون اينكه اسمى از مبلغ برده شده باشد و در قسمت هاى ديگر هم هرايضى دارم كه در موقع خود عرض خواهم كرد بنده يكى از نمايندگان همين ملا كه در اردو سه روز قبل ملاقات كردم و به طوريكه اظهار مى كردند معلوم مى شود آنها هم با يك نظريه خيلى وسيعى اين پيشنهاده را کرده اند و غالب آن چيزهائى را كه ما مى خواهيم احتياط كنيم آن ها هم قبل احتياط كردند ولى بدبختانه يادرو وزارت فوايد عامه يادر كميسيون اين شرح و بسط از نظر افتاده است بهر صورت خلاصه عرض بنده اين است كه بهمان دليلى كه آقای وزير فوايد عامه فرمودند هنوز مهندسى صحيح نشده و آقایان ديگر هم مدافع بودند همين نظر را داشتند

بنده نمى دانم با اين ترتيب تعيين اين سيصد هزار تومان چه صورت دارد بنا بر اين عقیده دارم نوشته شود هر قدر خرج مى شود بمعهده مالکين خواهد بود .

مخبر - آقای ارباب كينخسرومى - فرمايند وزير فوايد عامه و كميسيون قائل شده اند كه از روى صحت مهندسى شده البته

فراموش فرمودند كه مكرر گفته شد در چند سال قبل مهندس رفته و خرج را بر آورد كرد و يك نفر مهندس روس هم رفته است و مبلغ مخارج را به چهار صد هزار تومان تخمين کرده است و خود اهالى اصفهان هم دقت هائى بعمل آورده و همچو ملتفت شده اند كه از بيش سيصد هزار تومان مخارج ندارد بنا بر اين دقت هائى كه بايسته عاده کرده باشند مخارج را سيصد هزار تومان در نظر گرفته اند

بنده نمى دانم آيا مقصود آقای ارباب اين است كه بايد يك كسى زمه دار بشود كه بيش از سيصد هزار تومان يا كمتر نشود البته اگر مقصودشان اين است اين طريق نخواهد شد و اگر مقصود اين است كه از روى بصيرت و تصديق يك نفر مهندس و اهل اطلاع مخارج را معين نمايند كه اين مقصود بعمل آمد و چنان كه عرض کرده ام حالا هم عرض مى كنم در وزارت فوايد عامه ملتزم است قبل از آن كه شروع بعمل نمايد مهندسين و ارباب اطلاع عمل فرستاده و تحقيقات لازمه بنمايند اگرديدند هلى است و خسارت زيادى وارد نمى آورد آن وقت مشغول عمل مى شوند و اين را هم تعيين بدانيد قبل از اين كه اقدام باين عمل كنند شروع بكار نمى كنند و پول دهندگان هم پول نخواهند داد بنا بر اين گمان مى كنم اعتراض آقای ارباب هم مرتفع شود ديگر اين كه مى فرمايند بطور كلي نوشته شود هر مبلغ خرج مى شود بوزير فوايد عامه اعتبار داده شود كه اين كار را بكنند بنده عرض مى كنم نه دولت مى تواند بطور كلي بكنين پيشنهادهى بدهد و نه مجلس مى تواند تصويب كند شايد يك چيز هائى اتفاق افتاده مثلا احتراقى در كوه پيدا شد يا حوادث ديگرى اتفاق افتاد كه مخارج آن بيش از اينها شد آن وقت مردم از عهده بر مى آيند نه دولت تكليفش را مى فهمند و در اين صورت مجلس شورى ملي چه طور مى تواند بيك امر غير محدودى رأى بدهد دولت همچو اقدامى بكنند مى فرمايند نمايندگان ملاكين كه اين پيشنهاده را کرده اند يك احتياط هائى بعمل آورده اند و بوزير هم گفته اند و معلوم نيست چرا وزارت فوايد عامه و كميسيون در نظر نگرفته اند عرض مى كنم كه نمايندگان آنها هم در كميسيون حاضر شد و اظهارات خود را كرد و بوزير هم گفتند و با همان احتياط هائى كه منظور داشته اند و هر پول دهند بايد منظور بدارد اين دقت هارا کرده اند و كميسيون هم با نهايت دقت هر اطراف مسئله دقت نموده و اين لايحه را تصويب کرده است اين بود هرايضى بنده؟

رئيس - گویا آقای كروسى هم

مخالف باشند؟

حاج شيخ محمد كروسى - بنده عرض دارم

رئيس - بفرمائيد

كروسى - مقصود از الحاق آب كارون بزياننده رود يكمن فايده و نتيجه اش اين باشد كه از اين الحاق آب بزياننده رود اتساعى پيدا کرده و اهالى تمتعى از يرتو اين امر ببرند و دولت هم انتفاعى حاصل كند ولى يك مرتبه مى شود اين طور تصور كرد كه پس از اينكه دولت چنين كاري را كرد خودش مالك بشود و آب را بفروش برساند پس بعقیده بنده مقصود بايد واضح باشد چون اين مطلب يكى از فروع اساسى اين كار است بعضى با آن مقصد موافقت مى كنند و بعضى با اين مقصد پس خوب است مخبر محترم توضيح بدهند كه بعد از حصول نتيجه اين آب مال دولت خواهد بود و اجاره خواهد داد و يا اينكه خير زياننده رود شده و مردم از آن منفع خواهند شد و از فوايد عامه آن ها دولت هم منفع خواهد شد بايد اين را قيد كرد و اين مطلب يك ماده جداگانه لازم دارد و بنده پيشنهادهى در اين خصوص تقديم مى كنم .

مخبر - حكمتش حكم رود زياننده رود و ساير آب هاى رود خانهائى است كه جارى است

رئيس - آقای عماد السلطنه خراسانى مخالف هستند

عماد السلطنه - بلى

رئيس - بفرمائيد

عماد السلطنه خراسانى - بطوريكه در شور اول عرض كردم بنده اساسا مخالف با الحاق رود كارون بزياننده رود نيستم ولى اين پيشنهاده را ناقص مى دانم زيرا اولاً راجع بتعيين مبلغ بطورى كه آقای وزير فوايد عامه در جلسه گذشته اظهار كردند بازديد نشده است كه مخارج چه مبلغ خواهد بود ممكن است مبلغى خسارت باهالى وارد آيد آن وقت بى نتيجه هم بماند و بنده تصور مى كنم بهتر است بنويسيد آنچه خرج شد دو قسمت را مال كين بدولت قرض بدهند و دولت در مدت معين بپردازد و يك قسمت را هم خود مال كين متحمل شوند و الا با اين ترتيب ممكن است يك مبلغى ملاكين خرج بكنند و آب هم جارى نشود يك خرج بيوده شده و تعميل بلاكين اصفهانى بشود

مخبر گمان مى كنم اگر قدرى دقت بفرمائيد اشخاصى كه پول مبدهند يقينا بيشتر از بنده و جنابعالى و دولت دقت ميكند اين يك امر طبيعى است و گمان نمى كنم تا اين اندازه ما محتاج با هم

برای پول دهندگان دولسى كنم آنها براى خودشان بيشتر دلشان مى سوزد و شما يقين بدانيد آن ها خودشان اطراف مسئله را كاملا ملاحظه کرده اند و با رعايت صرفا خود اين پيشنهاده را کرده اند

رئيس - آقای آقا سيد فاضل موافقت؟

آقا سيد فاضل - بلى

رئيس - آقای سلطان العلماء هم موافقت؟

سلطان العلماء - بلى بنده هم موافقم

رئيس - آقای محمد هاشم ميرزا چه طور؟

محمد هاشم ميرزا - بنده سئوالى دارم

رئيس - موافق نيستيد

محمد هاشم ميرزا - خير؟

رئيس - بفرمائيد

محمد هاشم ميرزا - راجع بآب كارون بزياننده رود آقای وزير فوايد عامه عقیده شان اين بود كه پس از الحاق آب مال دولت خواهد بود و بنده هم بهمان مناسبت يك پيشنهادهى كردم و خواننده نشده و اصلا معلوم نشد رد شده يا قبول شده و حالا بطور مطلق گفته مى شود اين آب مال دولت نخواهد بود و معلوم نيست مال دولت است يا نه در حاليكه اين مسئله جز اصول مسلمه است نمى دانم چه طور آقای مخبر بطور كلي مى فرمايند مال دولت نيست؟

مخبر - بنده گویا عرض نكردم مال دولت است يا مال دولت نيست عرض كردم حكمتش حكم آب زياننده رود و ساير آب ها است و بنده هنوز نمى دانم بچه معنى مال ملت است و بچه معنى مال دولت است و بيك اعتبار مال ملت دولت است و بيك اعتبار مال ملت

رئيس - آقای حاج شيخ اسدالله (اجازه)

حاج شيخ اسدالله - بنده موافقم؟

رئيس - آقای حاج ميرزا على محمد دولت آبادى چه طور؟

دولت آبادى - بنده هم موافقم؟

رئيس - آقای عماد السلطنه طباطبائى هم موافقت؟

عماد السلطنه بلى موافقم؟

رئيس - آقای زنجباني گویا مخالفند؟

آقای شيخ ابراهيم زنجباني خير موافقم؟

رئيس - آقای سيد الملك هم موافقت؟

ساییدالملک - بلی بنده موافقم؟
رئیس - آقای محقق العلماء؟
محقق العلماء - موافقم؟
رئیس - آقای آصف الممالک موافقت؟
آصف الممالک بلی موافقت
رئیس - آقای تدین هم موافقت؟
آقای سید محمدتدین - بلی بنده نیز موافقت
رئیس - آقای آقا سید یعقوب چه طور؟
آقا سید یعقوب - همه موافقت؟
رئیس - آقای مدرس موافقت؟
آقای سید حسن مدرس - بلی
رئیس - پس مخالفی نیست (اظهاری نشد)
(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)
رئیس - ماده فرائض می شود ورای می گیریم
(آقای سهام السلطان بشرح ذیل خواندند)
(۱) مجلس شورای ملی برای تهیه وسائل الحاق آب کوه رنگ بزائنده رود و مبلغ سیصد هزار تومان بوزارت فوائد عامه اعتبار می دهد
رئیس - آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمودند (اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .. ماده دوم فرائض می شود (آقای سهام السلطان بترتیب ذیل قرائت نمودند)
۲ - دوست هزار تومان از مبلغ مزبور بوزارت مالیه از اهالی اصفهان استقراض نموده بعد از جریان والحاق آب کوه رنگ بزائنده رود در ظرف ۱۵ سال بااسطامتساویه از بابت مالیات اصفهان محسوب وه آنها مسترد خواهد داشت و یکصد هزار تومان آن بلاموض بعهده خود اهالی خواهد بود و در صورت عدم موفقیت کلیه سیصد هزار تومان بعهده اهالی است و به دولت وجهی تعلق نخواهد گرفت
رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
حائری زاده - بنده نمی فهمم چرا صد هزار تومان امانه از اهالی اصفهان برای این کار باید گرفت خوب است دولت این بودجه را خرج کند و از منافی که عاید مردم می شود یک منافی عاید دولت بشود چون خیلی از اراضی که از زائنده رود مشروب می شود بوا - هله کم آبی باثر افتاده است حالا که خیال دارند رود کوه رنگ را بزائنده رود ملحق نمایند چرا باید بلاموض صد هزار تومان با اهالی اصفهان

تحویل شود بملاره اگر چنانچه این آب جاری نشد چرا اهالی یک محل باید متضرر شوند و از جیب آنها بیرون رود تجزیه در منافع و مضار مملکت صحیح نیست همین طور که برای مملکت اگر مخارج زیادی پیش آید باید خزانه دولت متحمل شده و مرفوع معظور کند ابتدا اگر چیزی اهالی بالسویه باید مشارکت کنند و متحمل شوند و فقط اهالی اصفهان نباید متحمل شوند که اگر فائده نشده سیصد هزار تومان ضرر بکنند .

مخبر - بنده گمان نمیکنم که آقای حائری زاده غیر جائز بدانند که مردم امانه بدولت خودشان بدهند خصوصا این امانه که قسمت فایده آن عاید خودشان میشود و یک قسمت عاید دولت در این صورت چه اشکالی دارد حالا که مردم حاضر شده اند امانه بدولت بدهند ما بگوئیم ندهند؟ گمان نمیکنم ما چنین وظیفه داشته باشیم دیگر اینکه میفرمایند اگر آب جاری نشد چرا باید با اهالی یک محل غرامت وارد آید اولاً عرض میکنم اگر این آب جاری شد در حقیقت تمام فوایدش با اهالی اصفهان است و آنها وقتی ملاحظه میکنند و می بینند فایده زیاد میبرند راضی میشوند در اینصورت آیا باید بانها مراجعه کنیم و بگوئیم آیا شما بعد بلوغ نرسیده اید و عقل ندارید بقیه بنده مانعی توانیم قیام آن ها باشیم قانونی است وضع میشود اگر خواسته قبول میکنند والا نمیکنند.

رئیس - آقای ارباب کبیسرو (اجازه)
ارباب کبیسرو - در حالی که بنده برای اظهار مخالفت اجازه گرفته بودم لازم است راجع بیک قسمتی موافقت کنم و از نقطه نظر موافقت دفاع کنم آقای حائری زاده فرمودند برای چه این وجه را امانه یا مجانی باید بدولت بدهند؟ بنده عرض می کنم اینها هیچ کدام نیست نه امانه است نه مجانی فرض کنید یک نفر ملاک می رود مبلغی خرج می کند و آب قناتی را بیرون می آورد و بعد مالیات بدولت میدهد اینهم همان حال را دارد چه فرق می کند ؟ امانه در این ماده کتوشته شده است (دو دست هزار تومان از مبلغ مزبور وزارت مالیه از اهالی اصفهان استقراض نموده الخ) بنده این را ملتفت نشدم تا بحال صحبت از مالکین بود حالا چه طور از اهالی استقراض می شود؟ اینکه این طور میسراند که از تمام افراد اصفهان استقراض شود در حالی که تصور می کنم مقصود ملاکین باشد و اگر این طور هست باید عبارت تصحیح شود تا آنجا راجع بیکلمه استقراض کمی نویسد دولت استقراض می نماید بنده تصور می کنم وقتی کلمه استقراض معرزشد کسی که قرض

گردد باید دین خود را بدهد این جا می نویسد اندر آب ملحق نشود وجهی بدولت تعلق نخواهد گرفت و بنده گمان می کنم این مطلب با کلمه استقراض منافی باشد و باید این را هم اصلاح کرد که بعد ما اسباب زحمت نشود چون بطور کلی این جانوشه می شود که اگر موفق نشدند اهالی هیچ حقی بدولت نخواهند داشت در آن جلسه که شور اول میشد بیکس از آقایان اظهار کردند ما نباید کاری بکنیم از عدم قبول این پیشنهاد موجب دفاع سوختگی اهالی فراهم شود بنده عرض می کنم اگر ما این لایحه را قبول کنیم و موجبانش فراهم نشود آب ملحق نشود بیشتر اسباب دفاع سوختگی خواهد شد و از همین نقطه نظر بنده پیشنهاد کردم قبلاً برونند ببینند و دیده و دانسته هر مبلغی که خرج می شود پیش بینی کنند تا با کمال رضا و میل رای بدهم این بهتر است یا اینکه رای بدهم که مردم پول بدهند آنوقت اگر متضرر شدند بجاچه ؟

مردم کی هستند مردم اهالی این مملکت هستند و ضررهای زیاد در مواقع خود متحمل شدند بنده نمی دانم این چه شرطی است که بیایند پول بدهید اگر آب بیرون نیاید میروید بی کار خودتان

مخبر - آقای ارباب می فرمایند ما نیایستی کاری بکنیم که اسباب دفاع سوختگی مردم فراهم شود بنده گمان می کنم مخالفت ما بیشتر اسباب دفاع سوختگی آنها می شود یک عده مردم با کمال میل یک پیشنهادی کرده اند و بقول آقای آقا سید یعقوب گمان می کنند این پیشنهاد با هله و شادی پذیرفته می شود حالا مخالفت میکنم و می گوئیم چرا با آنها ضرر بخود در این صورت قائل شده ایم که آنها نمی فهمند و حفظ پول خودشان را نمی کنند در صورتی که این طور نیست و تصور می کنم دماغ آنها سوخته نمی شود اگر هم بشود چون مبادرت از طرف خود آنها شده است هلت ندارد و حق اعتراض بر ما نخواهد بود و اگر ما نپذیریم دماغ شان سوخته می شود دیگر این که می فرمایند سابق (ملاکین) نوشته شده بود چرا حالا (اهالی اصفهان) نوشته شده عرض می کنم بلی اهالی است و اشتباهم نشده برای اینکه اگر در این پول اهالی تهران هم هر کت کنند دولت خواهد پذیرفت و انحصاری نیست البته این پول و املاکین خواهند داد آقا اگر غیر از ملاکین دادند و یا پول داری باشد در طهران یا در خراسان و خواست امانه بدهد آیا معظور شری می قانونی هم داریم ؟ منظور ما چه چیز است چرا ما باید محدود کنیم بلاکین خیر هر کس امانه بدهد دولت می گیرد و بملاره عرض می کنم اگر این لایحه تصویب شد

نه این است که دولت بطور اجبار سرشکنی کند بین امالی و بگوید بدهید خیر هر کس داوطلب شد میدهد اجباری هم در کار نیست که آقای ارباب لازم میدانند قید بلاکین بشود و دیگر این که می فرمایند اگر چنانچه این استقراض را دولت کرد و موفقیت حاصل نشد چرا خسارت آن بعهده اهالی اصفهان باشد جواب این را بنده سابقاً داده ام حالا هم باز تکرار می کنم اولاً خود اهالی این پیشنهاد را کرده اند و استقبال کرده اند نه اینکه اجباری باشد

ثانیاً هلت دیگرش این است که اگر آب جاری شد اتفاق را آنها میبرند ثانیاً همان طور که آقای ارباب کبیسرو مکرر فرمودند چه فرق است بین دولت و ملت دولت اگر دارد باید خرج ملت بکند ملت اگر دارد خرج کند و اسباب آبادی را فراهم سازد . دیگر آنکه نه یک دینار ضرر متوجه اهالی اصفهان می شود نه بدولت زیرا این پول از مملکت ما خارج نمی شود از این جیب به آن جیب داخل می شود این صندوق به آن صندوق می رود و یک مشت عمده فقیر این پول ارتزاق مینمایند

رئیس - آقایان محقق العلماء (اجازه)
محقق العلماء بنده موافقم؟
رئیس - آقای مستشار السلطنه موافقت؟
مستشار السلطنه - بلی بنده هم موافقت؟
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله حاج شیخ اسدالله - موافقت؟
ماده ولی با بیانات آقای مخبر مخالفم چون باماده موافقت ندارد
رئیس - آقای عماد السلطنه طباطبائی چه طور؟
عماد السلطنه - موافقت؟
رئیس - آقای عماد السلطان خراسانی (اجازه)
عماد السلطنه خراسانی - از نواقص دیگری که بنظر بنده میرسد این است که چون آقای مخبر اظهار داشتند از طرف خود اهالی تقاضا شده لازم است در این بلی اهالی است و اشتباهم نشده برای اینکه اگر در این پول اهالی تهران هم هر کت کنند دولت خواهد پذیرفت و انحصاری نیست البته این پول و املاکین خواهند داد آقا اگر غیر از ملاکین دادند و یا پول داری باشد در طهران یا در خراسان و خواست امانه بدهد آیا معظور شری می قانونی هم داریم ؟ منظور ما چه چیز است چرا ما باید محدود کنیم بلاکین خیر هر کس امانه بدهد دولت می گیرد و بملاره عرض می کنم اگر این لایحه تصویب شد

شد چون هیچ ذکر نشده است که بجهت نوع مالیات اخذ خواهند کرد و بنده پیشنهادی در این خصوص عرض میکنم

رئیس - آقای محقق العلماء - اجازه
محقق العلماء - خبلی متعجب و و متاسفم که چهار ماه است می بینم یک عده از معترین اصفهان آمدند این جا زحمت ها کشیده اند و آقایان نمایندگان را هم ملاقات کرده اند و خودشان حاضر شده اند مملکت خدمت بکنند و پول بدهند و دامن بگرزده اند که هر چه خسارت هم وارد شود متحمل شوند فقط یک کمکی از دولت می خواهند که دوست هزار تومان بآنها کمک کند و ما مخالفت میکنیم اولاً می فرمایند استقراض با قسمت اخیر ماده منافات دارد ایها منافات ندارد اولاً یک کسی بعنوان استقراضی پولی میدهد آیا بعد نمی تواند پولی رایبشود ؟ یا کار دیگر بکند ؟ چرا بنابراین بنده هیچ اشکالی در این ماده نمی بینم و مذاکرات زیاد هم تطویل بلا طائل است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب و آقای سیدفاضل موافقت؟
آقای سید یعقوب - اجازه میفرمایند چند کلمه عرض کنم
رئیس - آقای حائری زاده مخالفید
حائری زاده - بلی
رئیس - فرمایند
حائری زاده - بنده دو سه نقص در این ماده تصور میکنم یکی اینکه نوشته شده این استقراض از اهالی اصفهان میشود و بنده گمان می کنم این استقراض از کسانی که این آب بآنها فایده میدهد باید بشود یعنی آن کسانی که در آب خود زائنده رود هستند و کسانی که فایده نمی برند بچه دلیل باید مشارکت بکنند ؟ دیگر اینکه می فرمایند اهالی اصفهان حاضر شده اند صد هزار تومان امانه بدهند بعضی از آنها که بهتران آمدند و بادولت مذاکره کردند و دیدند دولت برای هیچ مساعدهتی حاضر نیست قبول کردند صد هزار تومان از آنرا با اهالی اصفهان تحویل کنند و من اصولاً ناصح می دانم که یک تعمیلی با اهالی بکنم در صورتی که این قبیل مسائل که وظیفه دولت است انجام بدهد و این تقریباً یک اجبار فقه مستحبی است و اینکه میفرمایند خود اهالی قبول کردند فقط چند نفری از آنها که در طهران بوده اند قبول کرده اند از کجا که اهالی اصفهان قبول کرده باشند ؟ و دیگر اینکه امانه رانی توان بصد هزار تومان محدود گردد و اگر امانه باشد باید هر قدر مردم میل دارند بدهند و همان طور که آقای مخبر فرمودند مسکن است اهالی تهران و جاهای دیگر هم مشارکت کنند و این ترتیب که در محل سر عکس شود تقریباً غیر رسم با اهالی اصفهان را بداند امانه مجبور کرده ایم و امانه هم

بالجبار مشافات دارد و بنده معتقدم دولت مخارج را متحمل شود و اگر اهالی اصفهان یعنی آب خود زائنده رود بجاهای دیگر حاضر شدند یک کمک و امانه بدهند بدیهی است که دولت قبول خواهد کرد

مخبر - عرض می کنم اگر آقا از انفاظ و صورت بیمعی می برداختند گمان می کردم کاملاً رفع اشکالات شان میشد اولاً اینکه میفرمایند بطور اجبار مردم تحمیل شده است ما چگونگی می توانیم با اجبار از آنها بگیریم نماینده اصفهان که حضور دارند اگر اجبار بود لابد اظهاراتی میکرد آنها با کمال میل و شرف پیشنهاد کردند و میدهند و آن دقیقه که این لایحه تصویب شود تشکر میکنند دیگر اینکه می فرمایند استقراض از ملاکین است چرا اهالی نوشته شده حضرت عالی مکرراً ابراز ملاکین میدانند

حائری زاده - بنده این طور عرض نکردم
مخبر - البته تصدیق میفرمایند ملاکین همان اهالی هستند و مقصود فرداً فرداً کوروانات اصفهان نبوده بلکه مقصود یک عده از اهالی که داوطلب شدند بوده و اشکالی ندارد عرض این است که دولت دو دست هزار تومان از آنها استقراض کند خرج این کار بنمایند حالا ملاکین بدهند تجار بدهند امانه بدهند هر چه بپهر عنوانی باشد و گمان میکنم چندان اشکالی نداشته باشد

رئیس - آقای سلیمان میرزا - بلی
رئیس - آقای ارباب کبیسرو (اجازه)
ارباب کبیسرو - بنده متأسف هستم از آنکه فهمی خودم و تقصیری بکسی وارد نمی کنم خود بنده خیال نمی کنم که یعنی اهالی و ملاکین یکی باشد دیگر اینکه میفرمایند بعد از آنکه این لایحه تصویب شد هر کس داوطلب شد این وجه را میدهد و بنده عرض می کنم وقتیکه باین لایحه را این طور تصویب کردیم مسکن است برای اهالی زحمت فراهم شود و ما موافقین دولت میروند بسر اهالی میزنند و می گویند این پول را چون مجلس تصویب کرده است باید بدهید در صورتیکه عده از اهالی حاضر شده اند بدهند و پیشنهاد هم کرده اند و شاید مردمان دیگر نخواهند بدهند و اگر مردم بخواهند امانه بدهند می دهند و لازم باین قید نیست که از تمام اهالی اصفهان گرفته شود در این جا مکرر گفته شده که ملاکین حاضر شده اند و ملاکین نماینده فرستاده اند و ملاکین چه کرده اند باین حال در این ماده می نویسد از اهالی اصفهان گرفته شود بنده می گویم اگر باین لایحه همین

ترتیب بگذرد آنوقت تعمیل برد بگریان هم خواهد شد و همین جاییش بینی می کنم که از طرف اهالی هر ایضی خواهد رسید که مامور دولت آمده و بزور از مایول مطالبه میکند و میگوید مطابق تصویب مجلس است و بنا بر این تقاضای کنم اصلاً آقای مخبر قبول بفرمایند و ملاکین را بجای اهالی بگذارند

مخبر - اگر مجلس مقدس پیشنهاد آقای ارباب را قبول کند بنده البته مطاع هستم لیکن بنده قبول نمی کنم ملت این است که بنده این عمل را نمی خواهم تخصیص بدهم بیک عده معدودی و بنده نمیخواهم بهیچ عنوانی قابل تخصیص بشوم

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است اگر آقایان مذاکرات را کافی می دانند قرائت شود (بعضی اظهار نمودند کافی است)
رئیس - پیشنهاد آقای آصف - الممالک و دولت آبادی و آقای یعقوب و آقای صدرائی قرائت میشود
بنده پیشنهاد می کنم کلمه اهالی اینطور اصلاح شود « از ملاکین که از جریان این آب استفاده می نمایند »
استقراض نموده و بعد از الحاق آب کورنگ الی آخره آصف الممالک آسید یعقوب صدرائی دولت آبادی
رئیس - پیشنهاد آقای زنجانی (بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم ذیل باین عبارت نوشته شود بعد از جریان والحاق آب کوه رنگ زائنده رود دولت دو دست هزار تومان آنرا در ظرف ۱۵ سال باسقاط متساویه از مالیات داینین محسوب داشته و یکصد هزار تومان آن را داینین اسقاط خواهد کرد (زنجانی)
رئیس - پیشنهاد آقای عماد السلطنه خراسانی (بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده دوم را بشرح ذیل پیشنهاد مینمایند
۱ - مخارج الحاق رود کارون بای زائنده رود پس از آن که بوسیله مهندس معین شو دو قسمت آن را دولت از کسانی که ذی دخل هستند استقراض نموده و در مدت ۱۵ سال از بابت مالیات داینین محسوب خواهد داشت و یکقسمت از آن چه مخارج شود بسر هه عده مالکین خواهد بود
۲ - پس از الحاق آب کارون بزائنده رود از طرف دولت میزری واخذ مالیات خواهد شد (عماد السلطنه خراسانی)
رئیس - پیشنهاد آقای وحید - المملک قرائت مهود)

آقای سهام السلطان قرائت نمودند بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم اینطور نوشته شود دو دست هزار تومان از مبلغ مزبور بوزارت مالیه از ملاکین طرفین رودخانه بزائنده رود بنسبت فایده کاز آب زائنده رود میبرند استقراض نموده الخ (وحید المملک)

رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده - بنده مسترد می دارم
رئیس - پیشنهاد آقای تدین (بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد می کنم از مالکین ذی نفع اصفهان و توابع (تدین)
رئیس - آقای آصف الممالک توضیحی دارید
آصف الممالک مقصود بنده همان است که آقای ارباب فرمودند مقصود این است مالیات را کسانی که از این آب استفاده می کنند باید بدهند باین جهت باید اسم ملاکین برده شود که تعمیلی بر سایر اهالی نشود اگر پیشنهاد پذیرفته نشود بعهده کلیه اهالی اصفهان خواهد بود
رئیس (خطاب بآقای تدین)
پیشنهاد جناب عالی هم با پیشنهاد آقای آصف الممالک یکی است
تدین - اجازه می فرمائید توضیح بدهم ؟
رئیس بفرمائید
آقای سید محمد تدین پیشنهاد ایشان چون کلمه ملاک دارد شامل خورده مالک نمی شود و پیشنهاد بنده چون کلمه مالک دارد اهم است از اینکه خورده مالک باشد یا مالک زیاد داشته باشد بنابراین این هر کس که ملک دارد و از این آب استفاده بامیرسد باید در این پول شرکت کند اهم از اینکه ملکش کم باشد یا زیاد
رئیس آقای وحید المملک پیشنهاد جناب عالی هم بهین مضمون است
وحید المملک - بکفرن دارد و یک مطلبی است که بقیه بنده باید ذکر شود و آن این است که باید به نسبت باشد یعنی مالکین که از آب خیلی استفاده می کنند زیادتر باید بدهند و مالکین که کمتر میبرند کمتر بدهند و باید ذکر شود هر قدر استفاده می کنند بهین نسبت باید پول بدهند
رئیس این فقره پیشنهاد مجدداً قرائت می شود بعد آقای مخبر اظهار رأی می کنند ورای میگیریم (پیشنهادات آقایان آصف الممالک و تدین و وحید المملک

مجدداً قرائت شد
مخبر - بنده پیشنهاد اولی را می پذیرم
رئیس پیشنهادی هم از طرف آقای مدرس رسید قرائتی شود
(آقای سهام السلطان شرح ذیل خوانند)
 پیشنهادی کنم در دو موضع بعد از لفظ اهالی نوشته شود آب خور زاینده رود
(مدرس)
رئیس - توضیحی دارید؟
مدرس - گمان میکنم اگر آقای مهربان قری نامی بفرماید این پیشنهاد رفع تمام اشکالات را می کند چون همین طور که این آب فایده اش با اهالی آب خور زاینده رود می رسد این پول هم باید از آن ها دریافت بشود و این پیشنهاد رفع تمام اشکالات را می کند
(بعضی تصدیق نمودند)
مخبر گمان می کنم با آن پیشنهاد اولی چندان مابینتی نداشته باشد چون آن ها میگویند ملاکین ذی نفع و ایشان میفرمایند آب خور زاینده رود و بنده با پیشنهاد آقای مدرس هم موافقم
رئیس - کدام را قبول می فرمائید؟
مخبر - چون صریح تر است پیشنهاد آقای مدرس را می پذیرم
رئیس - رأی می گیرم در سایر اصلاحات
آقای میرزا ابراهیم قهی - بنده هم پیشنهادی کرده ام
رئیس - پیشنهاد جناب عالی راجع به دو مطلب است یکی راجع به اهالی است و یکی راجع به اینکه اگر زیاد تر خرج شد به همد کی خواهد بود
آقای میرزا ابراهیم قهی فرماید قرائت کنند
رئیس - توضیح بدهید تا رای بگیریم
آقای میرزا ابراهیم قهی - بنده عرض می کنم اولاً هیچ فلسفه ندارد که اهالی اصفهان این پول را بدهد و از روی تقسیم باید بدهند یعنی که صد تومان باید باندازه خود و ببله اگر در صورت موفقیت زیاد تر از سیصد هزار تومان خرج شد این لایحه همین نمیکند که کی باید بدهد خوب است توضیح بدهند که بعهده مالکین است یا بعهده دولت است
رئیس - عرض کردم که پیشنهاد جناب عالی حاوی دو مطلب است یکی راجع به اهالی است که تکلیف او در ضمن پیشنهاد آقای وحید الملک تعیین می شود

دیگری راجع به طلبی است که بدهد باید مذاکره و رای گرفته شود
(پیشنهاد آقای وحید الملک مجدداً)
 قرائت می شود
(بمضمون سابق قرائت شد)
وحید الملک - بنده از آقایان نمایندگان اصفهان توضیح می خواهم و آن این است که اهالی اصفهان از این آب تمتعی می برند یا نه چون اگر اهالی اصفهان از این آب تمتعی می برند پیشنهاد آقای مدرس خیلی صحیح است ولی اگر اهالی اصفهان تمتع نمی برند آنوقت آب خور رودخانه درست مقصود نخواهد رساند مقصود ما از این پیشنهاد این است که کلیه ملاکینی که از زاینده رود استفاده میکنند به نسبت استفاده که می کنند پول باید بدهند بنده این موضوع خیلی اهمیت می دهم ولی اگر کلیه اهالی اصفهان استفاده می کنند آنوقت بنده پیشنهاد خود را پس می گیرم و با پیشنهاد آقای مدرس موافق خواهم شد
رئیس - آقای مستشار السلطنه
(اجازه)
مستشار السلطنه - ایراد آقای وحید الملک در این است که به نسبت تقسیم استفاده که اهالی می نمایند اینوجه تقسیم شود البته این مسئله باید در پیشنهاد پیش بینی شود و همانطور که نسبت می دهند همانطور هم پس می گیرند
رئیس - رأی می گیرم در پیشنهاد آقای وحید الملک آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند
(همه قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای تدمین بنده در کلمه آب خور که فرمودند یک اشکالی بنظر من رسیده بعد معلوم شد آب خور اصطلاح آنجا است یعنی آب شرب چون رفع اشکال بنده شده با پیشنهاد آقای مدرس موافق
رئیس - پیشنهاد خود را می کند
تدمین - بلی
رئیس - رأی می گیرم به پیشنهاد آقای مدرس
مخبر - بنده پیشنهاد ایشان را قبول کردم
رئیس - پیشنهاد دیگری که از طرف آقایان شده بود که کلیه اهالی ملاکین تبدیل شود رای میگیرم آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمایند
(بمضمون سابق قرائت شد)
رئیس آقای زنجانی توضیح بدهید

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - اولاً اینکه می گویند بعهده اهالی اصفهان خواهد بود این نظر بنده صحیح نیست دولت به اهالی اصفهان اعلام می کند که من می خواهم سیصد هزار تومان قرض کنم بدهید که از این جا آب بیرون بیاوریم و بعد هر کس هر قدر بدهد دو حصه آن از بابت مالیات او محسوب خواهد داشت و یک حصه آن را او اینست اسقاط می کند و جمله بعهده اهالی خواهد بود یا لفظ قرض متناقص است پس اول قرض می کند و ممکن است بعضی از مالکین هیچ نداشته باشند یا نخواهند بدهند و بعضی مالکین زیاد بخواهند بدهند و دو مقابل سه مقابل بخواهند بدهند دولت می گوید این آب را می خواهم جاری کنم شما پول بدهید ممکن است بطور مختلف بدهند تا این وقت حاصل نشد و زیاد تر خرج شد آن مخارج بعهده کی خواهد بود و این ماده کمک هست و معلوم نمی کنند که در همد کیست بنابراین بنده پیشنهاد کرده ام بعهده مالکین باشد
رئیس (خطاب به خبر) در این باب چه می فرمائید
مخبر - مکرر عرض کردم که دولت و مجلس بیش از سیصد هزار تومان تصویب نمی کنند و قلاً خرج سیصد هزار تومان محدود است اگر خرج زیاد تر شد محتاج با اجازه ثانوی هست
رئیس - پس قبول نمی کنید
مخبر - خیر
رئیس رای می گیرم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(همه قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای عماد السلطنه خراسانی قرائت می شود
بمضمون ذیل قرائت شد
رئیس (خطاب به عماد السلطنه نماینده خراسانی) توضیح بدهید
عماد السلطنه - توضیحات خود را عرض کرده ام
رئیس - عقیده آقای مخبر چیست
مخبر - بنده نمی پذیرم
رئیس - رأی میگیرم بقبول توجه این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه بپندارند قیام فرمایند
رئیس - قابل توجه نشد آقای محمد هاشم میرزا بلی
(بمضمون سابق قرائت شد)
رئیس آقای زنجانی توضیح بدهید

کند و بیشتر از دو صد هزار تومان آنرا زمه دار نخواهد بود کادر مدت ۱۵ سال از بابت مالیات آنها محسوب خواهد داشت
محمد هاشم میرزا
 باین پیشنهاد رأی داده شود و بعضی آقایان نظر پائی داشتند و اشکال فرمودند که اگر استقراض باشد چه طور می شود صد هزار تومان آنرا نداد و پیشنهاد آقای زنجانی می گوید دابین اسقاط خواهد کرد و بجهت رفع این اشکالات بنده پیشنهادی کردم و لفظ استقراض را برداشتم و نوشتم دولت دریافت خواهد کرد و بیشتر از دو صد هزار تومان آنرا زمه دار نخواهد بود که در مدت پانزده سال از باب مالیات هان محسوب دارد
مخبر - بنده عرض می کنم که خود حضرت والا البته تصدیق می فرمایید که پس از آنکه پول دریافت شد باید در تحت یک عنوانی باشد استقراض می کنند اما نمی گیرند آنچه کاری می کنند بنده گمان می کنم بدون هیچ عنوانی نمی توانم این سیصد هزار تومان ذکر کرده باشم و ببله عرض می کنم این اختلافات موثر و مضر تر نیست و تمام مقاصد آقای محمد هاشم میرزا و سایر آقایان در لایحه منظور شده است و بنده لازم نمی دانم تغییر و تبدیل شود باین جهت قبول نمی کنم
رئیس - رای می گیرم با اصلاح معده هاشم میرزا آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند
(همه قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
 آقای وحید الملک اصلاح جناب عالی راجع بوسط ماده است و وحید الملک بلی وسط ماده است
رئیس قرائت می شود
(بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم در وسط ماده دو بجای « با نهاء » « قرض دهندگان » نوشته شود و وحید الملک
رئیس - آقای وحید الملک اجازه
وحید الملک - این قسمت مغالطه با آن قسمت است که الان رای دادیم ما استقراض را فقط از اهالی آب خور می کنیم دیگر چه علت دارد از کلیه مالیات اصفهان این مبلغ را کسر کنند باید از همانها که استقراض می کنیم از آنها کسر کنیم این است که بنده در پیشنهاد خود ذکر کرده و توضیح داده ام
مستشار السلطنه - در پیشنهاد آقای مدرس این نظر به تأمین شده است
رئیس - در پیشنهاد آقای مدرس این مسئله تأمین نشده است
مخبر - بنده عرض می کنم با آقای

دارد میروید دیگری تأذیب میکند تصور می کنم دولت چنین کاری را نخواهد کرد یعنی نمی کند دولت بهر کس مدیون است بهمان شخص تأذیب میکند - فرض می کنیم یکی از دابین ملکش را بدیگری انتقال داد این طلب خودش از دولت باقی خواهد ماند و آن شخص دائن طلبش را می گیرد و بالاخره ملاکین که پول می دهند از مالیات آنها کسر گذاشته میشود. بنابراین محتاج باین قید نیست از این جهت بنده نمی پذیرم
وحید الملک - بنده درست توضیح آقای مخبر را نفهمید مالیات بنده در اصفهان زیاد است فرض کنید در طهران از یک همد ملاکین که از رودخانه چاچرود استفاده می کنند یک پولی قرض نماید بعد باید دولت با همان اشخاصی که از رودخانه چاچرود استفاده میکنند محسوب دارد و در موقع تأذیب باید از مالیات همان اشخاص کسر گفازند نه از تمام مالیات دهنده کان و کلیه اهالی و من نفهمید توضیح حضرت عالی این بود که دولت این پول را از اهالی آب خور زاینده رود میگیرد طبیعتاً است که از مالیات آنها کسر خواهد گذاشت ولی از ماده این طور مفهوم نیست
مخبر - بنده در دفعه ثانی که آقای وحید الملک توضیح خواستید گمان کردم بنده نفهمیده ام بعد ملتفت شدم فهمیده ام و جواب هم دادم بنده عرض کردم هر کس طلب دارد باید طلب خود را بگیرد پول دهنده کی هست همان ملاکین هستند و در موقع تأذیب هم بهمان اشخاص دائن میدهند از کی میگیرند مثلاً فرض کنید یک کلاه اصفهان باید یک مالیاتی بدهد و یک نفر ملاک آن ده از آب زاینده رود استفاده میکند دولت از او میگیرد و در موقع تأذیب بیای همان شخص حساب میکند
رئیس - آقای امین التجار
(اجازه)
امین التجار - چون در ابتدای امر برای حصول مقصود مسلم است غیر از اهالی آب خور زاینده رود کسی دیگر پول نخواهد داد در موقع تأذیب ممکن است بعضی از آن املاک در ظرف این پانزده سال نقل و انتقال شود آنوقت آن طلب را مالک اولی دارد اگر میخواهد به مالک بعد منتقل میکند و اگر نمیخواهد نمیکند در هر صورت دولت این مبلغ را از بابت مالیات اصفهان در عرض پانزده سال محسوب خواهد داشت چه از بابت مالیات مالکین آب خور باشد چه نباشد.
رئیس - آقای تدمین پیشنهاد کردند از بابت مالیات قرض دهندگان نوشته شود توضیح میدهند بعد رای میگیرم
تدمین - آقای مخبر معتقد هستند هر پیشنهادی میشود و لو این که بفتح لایحه هم باشد قبول نکنند ولی بنده با همان تذکر میقدم که یک ماده قانونی نباید سطر اولش با حطر سوم مغالطه داشته باشد در قسمت اول گفته میشود مالی این پول را از آب خور

زاینده رود میگیرد بعد در سطر دوم نوشته شده است که در ۱۵ سال از بابت مالیات اصفهان محسوب مینماید فردا این لایحه سند است نه توضیحاتی که در این فضا داده میشود بنابراین بنده معتقدم عرض جمله از بابت مالیات اصفهان از بابت مالیات قرض دهندگان نوشته شود حالا آن قرض دهنده هر کس باشد و در هر مقام باشد.
رئیس - آقای وحید الملک باین پیشنهاد موافقت می کنید؟
وحید الملک - بلی یکی است.
رئیس - پس رای میگیرم به پیشنهاد آقای تدمین که نوشته شود (از بابت مالیات قرض دهندگان) آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(اکثر قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد دیگری از طرف آقای حائری زاده رعیده است قرائت میشود.
(شرح ذیل خوانند)
 بنده پیشنهاد می کنم بشکل ذیل نوشته شود:
 ماده دوم - سیصد هزار تومان وزارت مالیه از اهالی آب خور زاینده رود استقراض نموده و در تحت نظر نماینده قرض دهندگان بصرف الحاق آب کوه رنک زاینده رود میرساند و در ظرف مدت ۱۵ سال با قسط متساویه از بابت مالیات قرض دهندگان محسوب خواهد شد
 حائری زاده
رئیس - خطاب با آقای حائری زاده توضیح بدهید.
حائری زاده - این جمله که آقایان کراراً فرمودند که خود اهالی حاضر شده اند صد هزار تومان اهانه بدهند بنده عرض میکنم اهانه حد ندارد که ما بیایم محدود کنیم که اهالی اصفهان مجبوراً صد هزار تومان اهانه بدهند و این که بعضی از آقایان میفرمایند خود اهالی قبول کرده اند بنده عرض میکنم چند نفر از ملاکین اصفهانی که در طهران بوده اند قبول کرده اند چه ربطی بسایر اهالی دارد آن ها که نسبت بسایرین قیومیت ندارند اهالی اصفهان که از آب زاینده رود انتفاع میبرند باید اهانه بدهند و من مخالف این ترتیب هستم که دولت دو صد هزار تومان قرض کند و صد هزار تومان آن را بعهده خود اهالی بگذارد بنده عقیده دارم که دولت تمام سیصد هزار تومان را قرض کند و بصرف برساند و هر مبلغی هم که خواستند اهالی اهانه بدهند بدهند محتاج بقید نیست.
رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟
مخبر - هر گاه دولت یک مبلغ معینی پیشنهاد کرد ما می توانیم قانوناً زیاد تر از آن تصویب کنیم.
رئیس - رای میگیرم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حائری زاده آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

عماد السلطنه - در ماده سوم این طور که نوشته است معلوم نیست جبران این خسارت را کی باید بنماید و معمول به چه شکل است خوب است آقای وزیر فرماید اما که تشریف دارند نظریات دولت را بفرمایند تا به بینم چه شکل جبران خواهد شد؟
مخبر - مقصود از این است که اولاً اگر یک مبلغی بخواهد که خیلی زیاد نباشد ممکن است از این سیصد هزار تومان تأذیب خود یا این که خود ملاکین یا اشخاصی که ادعای خسارت میکنند یک سازش می نمایند و بین خود فراری بگذارند و گمان میکنم محتاج نباشد در این صورت موضوع مذاکرات زیاد کنیم و تا همین اندازه کافی است
رئیس - آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)
 ارباب کیخسرو - یکی از نظریات بنده همان بود که آقای عماد السلطنه خراسانی اظهار نمودند بنده دو نظر دارم اولاً گفته میشود چنانچه از الحاق آب کوه رنک به زاینده رود خسارتی بعملی اهل خیره باید جبران شود اولاً معلوم نیست تاجه حداکثر خسارت وارد شده ممکن است جبران نمایند نمی دانم این حساس در نظر گرفته اند یا خیر ثانیاً معلوم نیست کی باید جبران این خسارت را بنماید خوب است هر کس جبران می کند بنویسد که معلوم شود جبران کننده کی است وقتی ما که اینجا هستیم ندانیم جبران کننده کیست اهالی اصفهان چه طور خواهند دانست خوب است عبارت را روشن تر بنویسند که بعد ها حاجت بتفسیر نباشد
مخبر - می فرمائید اگر خسارت بر اصل طلب زیادتی بکنند چه باید کرد آن وقت اقدام نمی کنند اما اینکه می فرمائید کی باید جبران کند بنده جواب دادم یا هم تکرار می کنم یک اشخاص معینی هستند که ذی نفع و ذی علاقه هستند همان اشخاص که ذی نفع هستند ممکن است سازشهایی بکنند مدعی خسارت میشوند یک سازشهایی بکنند و تراضی فراری بگذارند و گمان نمی کنم بیش از این محتاج باشد که ما در اطراف این مسئله یک مذاکره کنیم بنمائیم
رئیس - آقای سردار جنگ هم مخالفند
سردار جنگ - بنده بطوریکه

رئیس - قابل توجه نشد
قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)
 ۳ - چنانچه از الحاق آب کوه رنک بزاینده رود خسارتی به محلی وارد شود مطابق معمول به عمل و بتصدیق اهل خبره باید جبران بشود.
رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی
(اجازه)
عماد السلطنه - در ماده سوم این طور که نوشته است معلوم نیست جبران این خسارت را کی باید بنماید و معمول به چه شکل است خوب است آقای وزیر فرماید اما که تشریف دارند نظریات دولت را بفرمایند تا به بینم چه شکل جبران خواهد شد؟
مخبر - مقصود از این است که اولاً اگر یک مبلغی بخواهد که خیلی زیاد نباشد ممکن است از این سیصد هزار تومان تأذیب خود یا این که خود ملاکین یا اشخاصی که ادعای خسارت میکنند یک سازش می نمایند و بین خود فراری بگذارند و گمان میکنم محتاج نباشد در این صورت موضوع مذاکرات زیاد کنیم و تا همین اندازه کافی است
رئیس - آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)
 ارباب کیخسرو - یکی از نظریات بنده همان بود که آقای عماد السلطنه خراسانی اظهار نمودند بنده دو نظر دارم اولاً گفته میشود چنانچه از الحاق آب کوه رنک به زاینده رود خسارتی بعملی اهل خیره باید جبران شود اولاً معلوم نیست تاجه حداکثر خسارت وارد شده ممکن است جبران نمایند نمی دانم این حساس در نظر گرفته اند یا خیر ثانیاً معلوم نیست کی باید جبران این خسارت را بنماید خوب است هر کس جبران می کند بنویسد که معلوم شود جبران کننده کی است وقتی ما که اینجا هستیم ندانیم جبران کننده کیست اهالی اصفهان چه طور خواهند دانست خوب است عبارت را روشن تر بنویسند که بعد ها حاجت بتفسیر نباشد
مخبر - می فرمائید اگر خسارت بر اصل طلب زیادتی بکنند چه باید کرد آن وقت اقدام نمی کنند اما اینکه می فرمائید کی باید جبران کند بنده جواب دادم یا هم تکرار می کنم یک اشخاص معینی هستند که ذی نفع و ذی علاقه هستند همان اشخاص که ذی نفع هستند ممکن است سازشهایی بکنند مدعی خسارت میشوند یک سازشهایی بکنند و تراضی فراری بگذارند و گمان نمی کنم بیش از این محتاج باشد که ما در اطراف این مسئله یک مذاکره کنیم بنمائیم
رئیس - آقای سردار جنگ هم مخالفند
سردار جنگ - بنده بطوریکه

در جلسه سابق عرض کردم از آن مکانی که این رودخانه جریان پیدا میکند پنج ایل بختیاری هستند که در آنجا اراضی میکنند اگرچه آقایان اصفهانی بامقرارداده اند نوشته دادند که قبلاً با بلغانی و ایل بیگی بختیاری داخل مذاکره بشوند و قراری بدهند که آنها را راضی کنند و مادامی که راضی نشده اند شروع بکار ننمایند ولی چون پیشنهادی که از مجلس میگذرد مقدس است استمدادام این ترتیب را در اینجا بدهند و قبلاً ایل بختیاری را راضی کنند والا می فرسود بمدان آنکه این لایحه از مجلس گذشت برون آنجا و یک ایل وحشی کدر پای زرد کوه هستند اقدامی نکنند

وزیر فواید عامه - گمان میکنم با توضیحاتی که مکرر در این باب داده شده است دیگر محتاج به توضیح نباشد برای اینکه مادر اینجا شرط کرده ایم که دولت قبلاً ملاحظاتی در این باب بنماید و مأمورینی بفرستد که تحقیقات کنند و به پیشه ضرری از این عمل وارد می آید و خسارتهائی باشخاص متوجه میشود بانه اگر آن ضررها فایز قابل جبران باشد دولت اقدامی نمی کند وقتی چنین قیدی شده باشد گمان میکنم همه این مسائل ختم شود وقتی که مامندسی می فرستیم تعیین خسارت می نماید و اطراف کار را منجمد و میبندد خسارت متوجه است یا نه اگر قابل جبران باشد دولت قراری میدهد و البته با اهالی و ایل بیگی داخل مذاکره ای خواهد شد و یک ترتیبی قرار خواهند داد و گمان میکنم دیگر محتاج به مذاکره نباشد

رئیس - آقای حاج سید اسدالله (اجازه)

حاج سید اسدالله - بنده هم همان طور که بعضی آقایان فرمودند معتقدم که باید معین شود اگر خسارت وارد آید کی باید جبران کند و این عبارت مجمل است و متصل است از آن سوه استفاده استفاده بشود و خسارتی وارد آید و مالکین هم برای جبران خسارت حاضر نشوند این است که بنده پیشنهادی کردم که در آخر ماده نوشته شود و اگر تصویب شود در این اشکالات خواهد شد

رئیس - آقای مدرس موافق هستند؟

مدرس - با ماده موافقم

رئیس - بفرمائید

مدرس - بنده کاملاً مخالف با وزیر هستم. این سد مال دولت است و باین لحاظ اهالی اصفهان پیشنهاد کرده اند دولت این کار را بکنند چون از قراری که نقل می کنند این سد را سابقش یعنی دولت های سابق مغایر زیادی کرده و اهالی اصفهان تقاضا نموده اند دولت آنرا تکمیل کند و با این فرمایش آقای سردار

چنگ بنده مخالفم چون سابق دولت این جا کار کرده اگر بعد از این کسی بیاید این جا و چهار جریب ملک بخرد یا هزار جریب ملک بگیرد مزاحمت با حق سابق دولت نمی کند

منتهی باید اگر خسارتی باشخاص وارد شود مالکین که می خواهند آب ببرند از همد بر آیند

لهذا در این ماده هم تصریح شده است که اگر خسارتی بعملی وارد بیاید جبران می شود لیکن مزاحمت با حق دولتی که سابق بر این متجاوز از یک کرور خرج کرده است نمی کند و هیچکس نمی تواند مزاحمت کند و اینکه فرمودند شاید دعوی و نزاعی بشود هیچ جهت ندارد اگر کسی در آنجا ملکی دارد یا مهور در آب میبرد حکایت نزاعی نیست.

دولت باید این آب را جاری کند اگر ضرر بکسی وارد شد مالکین یعنی آن هائی که پول خرج می کنند و می خواهند منفعت ببرند باید از همد آن خسارت بپردازند و کسی هیچگونه حق مزاحمت ندارد.

بنده ملکی دارم آب میبرد یا نه می دارم آب آن را خراب می کند آنوقت کسانی که این آب را میبرند باید جبران خسارت کنند فرق است بین جبران و مزاحمت و هیچ کس حق ندارد اسباب زحمت شود این بود مقصود عرض بنده

رئیس - دوقدره پیشنهاد رسیده است آقایان مذاکرات کافی میدانند (جمعی گفتند کافی است)

صمصام السلطنه - بنده عرض دارم.

سردار چنگ - بنده هم عرض دارم.

رئیس - پیشنهاد بفرمائید

سردار چنگ - اطاعت می کنم

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای آصف الممالک رسیده است قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت نمودند)

پیشنهاد می کنم در آخر ماده سوم عبارت این طور اصلاح شود مطابق معمول به معنی تصدیق اهل خیره جبران آن بهمه خود مالکین آب خور زاینده رود خواهد بود

(**آصف الممالک**)

رئیس - آقای آصف الممالک (اجازه)

آصف الممالک - آقای مدرس بقدر کافی توضیحات دادند عرض بنده هم این بود که نوشته شود با تصدیق اهل خیره مطابق معمول محل جبران خسارت مالکین بهمه مالکین آب خور زاینده رود باشد

رئیس - مطهر چه بفرمائید

مخبر - قبول می کنم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله قانع شدند

حاج شیخ اسدالله - بلی مقصود بنده هم در آن پیشنهاد منظور شده است

رئیس - آقای وحید الملک نظر جنابهای هم تأمین شده است

وحید الملک - بلی فقط در قسمت اول تأمین نشده است

رئیس - پیشنهاد آقای وحید الملک قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده سوم - این طور نوشته شود چنانچه دو الحاق آب کوه رنگ بزاینده - رود خسارتی با اهالی آبخورد مجرای فعلی رود کوه رنگ با نقاط دیگر وارد شود مطابق معمول بعمل و بتصدیق اهل خیره باید اهالی آبخورد زاینده رود جبران نمایند

رئیس - توضیح بدهید

وحید الملک - عرض بنده این است که قسمت اول قدری صریح تر بشود باین جهت بنده پیشنهاد کرده ام که چنانچه با اهالی آبخورد مجرای فعلی کوه رنگ با نقاط دیگر خسارتی وارد شود اهالی آبخورد زاینده رود جبران نمایند

این پیشنهاد شاید ایراد آقای سردار - چنگ را مرتفع کند

رئیس - پیشنهاد آقای سردار چنگ قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که در ماده سوم نوشته شود قبل از شروع بکار مهندس برود اگر خسارت فوق العاده بامالک بختیاری و غیره وارد شود جبران کند

رئیس - پیشنهاد آقای وحید الملک دوباره قرائت می شود شاید نظریه آقای سردار چنگ را تأمین کرده باشد

رئیس - آقای مطهر چه نظریه دارند

مخبر - قبلاً پیشنهادی از طرف آصف الممالک شده بود بنده قبول کردم و حالاً هم چندان تفاوتی در آن نمی بینم جز تغییراتی در الفاظ و عبارات آن مکرر گفته شده است که قبل از شروع بعمل مهندسین با آنجا فرستاده می شود که خسارتی که وارد می آید تعیین کنند و ببینند چند است و واضح بکی است و تا زمانی که این کارها نشده است اقدام نخواهد شد باین ترتیب بعد از آنکه پیشنهاد آقای آصف الممالک را هم قبول کردم عقیده ام این است که تمام مقاصد و آن آقای وحید

الملک دارند تأمین شده باشد و بنده نمی پذیرم

رئیس - قبول نمی کنید

مخبر - خیر

رئیس - رأی می گیریم در قابل توجه بودنش

آقایانی که پیشنهاد آقای وحید الملک را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - مشکوک دوباره رأی می گیریم

آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد در ماده دوم و سوم امروز نمی شود رأی گرفت نیم ساعت تنفس است

بعد از یورت کمیسیون هریض مطرح خواهد شد

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

(**زایورت** کمیسیون هریض را آقای سهام السلطان قرائت نمودند) خبر از کمیسیون هریض و مرضی به مجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون هریض و مرضی در چهارده برج جدی منعقد و پس از انتخاب هیئت رئیسه جلسات خود را مرتباً ادامه داده و وظایف قانونی خود که رسیده کی برایش وارد است قیام و اقدام کردند و از تاریخ چهارده برج جدی تا دهم ج حوت هزار و دویست طفری هریض و رسیدگی و مراجع بمقامات مربوطه ده خلاصه عملیات خود را بر حسب ماده (هفتاد) در اطاق تنفس از نظر آقایان نمایندگان محترم گذرانیدند چند فقره مطالب مهم را کمیسیون لازم نمی داند بر عرض مجلس شورای ملی برساند

اولاً شکایات وارده از حکام و رؤسای دوایر ایالات و ولایات است که کمیسیون بمقامات مربوطه مراجعه می نماید و از نظر نظر باینکه شکایات از خود مأمورین است کمیسیون را قانع نکرده هریض هم شکایات خود را ادامه می دهند

ثانیاً شکایات وارده از اداره پست راجع بفرامات وجه امانات پستی است که بوزارت پست و تلگراف مراجعه شده است وزارت جواب می دهند اداره پست مبلغ متناهی از باب امانات پستی که صرف شده بصاحبان اموال و تجار مذبذبون است پرداخت فرامات اموال مسروقه موصول بر این است که از طرف دولت و مجلس هر دو رأی ملی اعتباری با اداره پست بدهند تا فرامات مذکور مسترد

پرداخته و بشکایات وارده خانه داده شود

ثالثاً شکایات وارده از شیراز و خراسان در خصوص گمرک قالی های جوهری که تا بحال بحسب رأی کمیسیون که در وزارت مایه تشکیل شده بود صدی شش در یافت میشوند و فعلاً اداره گمرک اهلائی نموده که از اول حمل صدی بیست و پنج در یافت خواهند داشت و باین جهت تجارت و صادرات قالی بکلی از میان می رود و ضرر عده متوجه دولت و تجار خواهد شد ولی تقاضا نموده اند همان گمرک سابق که صدی شش است دریافت دارند و با شکایات مفصله از ولایات و ایالات در خصوص مالیاتها و عوارض که در ادوار فقرت وضع و تحمیل بر آنها شده است اظهار اهالی این است که وضع مالیات از خصائص مجلس شورای ملی است و تا مجلس مالیاتی را تجویز و تصویب ننماید اهالی از پرداخت آن معاف خواهند بود بوزارت مایه مراجعه می شود جواب میدهند تا مجلس شورای ملی این قبیل عوارض را نسخ و الفاء نکنند مایه ناچار است این قبیل عوارض را مأخوذ نماید این است مساواتی که کمیسیون لازم میدانند بر عرض مجلس مقدس رسانیده نظریات آقایان نمایندگان راجع و تکلیف این مسائل را موکول بآراء نمایندگان می نماید

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - چند فقره از مطالبی که در ماده اول لایحه کمیسیون هریض ذکر کرده است لازم است بنده عرض کنم که شکایات از نظر آقایان برسانم که خاطر آقایان از نحوه شکایات و ترتیبی است که نسبت بآن شکایات از طرف ادارات دولتی میشود و وضعیات مأمورینی که هستند مسبوق باشد تا بعد از آن هر چه مقتضی می دانند عمل نمایند یک فقره از این مطالب این است که حاج رستم خان ملازیری شکایت می کند از ضد السلطان که بدون حق صد و پنجاه تومان از من جریمه گرفته و سر بیا میگوید که مأمور ضد السلطان آمده است احترام مرا کرد و این جریمه را هم گرفت و در کابینه سابق از طرف رئیس الوزراه تلگرافی بعض السلطان میشود ضد السلطان جوابی میدهد که از هر جهت خارج از نزاکت و رویه یک حاکم نسبت بوزارت خانه است در آنجا می نویسد که حاج رستمخان ملازیری حق میگوید و مأمورین بنده رفتند و برای احقاق حق حاج عبدالصمد نام که ادعائی نسبت با داشته است حق او را دریافت داشته اند و در آخر آن تلگراف می نویسد این اظهارات حاج رستم خان هم هتک آبرو و مقام مرا کرده و اگر دولت تایانزده روز حاج رستمخان را تئیه و مجازات کرد خیلی خوب اگر نکرده خودم میفرستم او را می آورم و مجازات خواهم کرد اولاً بنده

ورستان نبوده است و اومأمور از بر وجود ورستان بلایر فرستاده است و چون حاج رستمخان مدعی داشته این صد و پنجاه تومان را از او گرفته اند در یکجای دیگر می نویسد که بلی مأمور فرستادم و محض طلب حاج عبدالصمد او را توفیق کردم در حالی که بر حسب ترتیبات اداری او حق نداشته است مأمور بلایر بفرستد و همچنین حق نداشته است در امور حقوقی دخالت کند این قضایا زمان تا بحال که چهار ماه میشود حاج رستمخان شکایت خود را تقبی می کند و بهیچوجه دادخواهی از او نشده است بنده در این مورد لازم میدانم عرض کنم که مثل ضد السلطان شخصی بعد از آنکه مرتکب این قبیل کارها شد باید از او مؤاخذه و سؤال شود و جلو گیری از این قبیل خیالات خود سرانه بنماید و بعلاوه این حاج رستمخان را که شکایات کرده است خوب میشناسند و اگر سابق بر این اموال او را میبرند ایندومه جانش هم در خطر است لذا کمیسیون خود را مکلف دانست نظیر این قضایا بر عرض مجلس برساند این دوسه قضیه را که عرض میکنم برای این است که خاطر آقایان مسبوق باشد و وضع شکایات چیست باز در کابینه سابق از حکومت دماوند شکایت نمودند و از طرف مجلس مکرر بوزارت داخله و وزارت جنگ نوشته شد و شکایات آنها را ابلاغ کرد و از طرف آن دو وزارتخانه یک جوابهائی رسیده است و یک دوسه خیلی مفصل و بزرگی پیدا کرده است تا بالاخره وزارت جنگ می نویسد این حکام مزبور نمودیم ده بیست روزی که میگردد اهالی دماوند مجدداً شکایت می کنند که اینکه از طرف مجلس بنا ابلاغ گردید حاکم مزبور شده است قطع نظر از اینکه مزبور نشده است تشددش هم افزوده شده است فقط چند روزی بتهران آمده و برگشته است تا چهار پنج روز قبل که در حکومت خود باقی بوده است و مزبور نشده است ولی حالاً از نمایندگان مقصود اینست که عده از اهالی دماوند زن و بچه و عیال خود را برداشته و فرار کرده آمده اند بتهران و حکومت هم آنجا با تمام انواع شداید بامر مردم رفتار می کند این دوقدره یک فقره دیگر این است که از نظریه عراق شکایت می کند که پنجاه تومان از شخصی جریمه گرفته است بعد از مراجعه بوزارت داخله وزارت داخله تصدیق می کند که بلی آنچه مسلم است رئیس نظمی و معاون حکومت از خود خود تجاوز کرده اند ولی اقرار بگرفتن پنجاه تومان نکرده اند ممکن است رجوع کنند بدلیه و احقاق حق خودشان بنمایند در این مورد آن بیچاره در سراق است سگجا می تواند بیاید بتهران و در اینجا اقامه محبت کند تا اینکه پنجاه تومان را وصول نماید

و برای تکمیل امروز رفع این نواقص در قانون وزارت داخله اصول محاکمه اداری هدبرای مأمورین مرکز ولایات در نظر گرفته شده است

البته وقتی از روی يك اصول مسلمی محاکمه شوند تکلیف خود را بهتر میدانند و اما شکایاتی که حالا از مأمورین می شود بعضی ها وارد باشد جبران می شود مثل الان قضیه راجع به مأمورین عراق که فرمودند بمدان آن که وزارت داخله تصدیق کرد که یک تجاوزاتی از خود داداری شده است از آنها ماخذ کردیم مأمورین را منقص کرد و میلی هم که گفته شد بطور جرم اخذ شد از حقوق یک نفر از مأمورین توفیق شده این اقداماتی است که شده

ولی البته برای اینکه قبل از گذشتن قانون وزارت داخله از تصویب مجلس اگر يك اصولی لازم باشد که اینگونه نواقص رفع بشود

دولت حاضر است با تبادل نظر کمیسیون هریض يك اصولی اتخاذ کند و بوقوع اجرا گذارد

رئیس - آقای سردار مقغم (اجازه نطق)

سردار مقغم - بنده می خراستم عرض کنم مدتی است جمعی از اهالی قزوین شاکی هستند و چندین عریضه تلگرافی و کتبی مستقیماً یا توسط نمایندگان بر عرض مجلس شورای ملی رسانیده اند از جمله راجع باین است که باس رقبات نادری املاک مورثی چندین ساله مردم را اداره مایه قزوین توقیف می کند و اسباب زحمت می شود هیچ معلوم نیست چه عنوان دارد و رقبات نادری چیست که بعد از صد و هشتاد سال املاک متصرفی مورثی چندین ساله مردم را بآن بهانه دست آویز توقیف می کند و همچنین مسئله اضافات باج راه است که بر خلاف قرار داد سابق از راهای و اهالی شهر و سایر عابرین صدی سی الهی پنجاه می کردند و بعضی مطالب دیگر هم هست که بر عرض رسیده است

نمی دانم چه شده که کمیسیون هریض باین تظلمات توجه نمی فرمودند با اینکه از مقامات عالیه رسیدگی نمی شود و تاکی مردم باید تظلم کنند

حاجی میرزا مرتضی مخبر - کمیسیون عریض و مرضی - فرمایشات قبیل وزارت داخله که فرمودند ناچاریم بدو بخود مأمورین مراجعه کنیم بنده تصدیق می کنم ولی چیزی که در کمیسیون تجربه کرده ایم بعد از آن که مکاتبات زیادی بین مجلس و وزارت داخله می شود فقط جوابی که داده می شود همان جوابی است که از مأمور محل می رسد

یک راپورت مأمور محل وزارت داخله می فرستد وزارت داخله هم بکمیسیون عریض می فرستد. و چندین فقره هم بتاجل دیده ام و شاید خود آقای کفیل وارث داخله تصدیق نمایند.

همانطور که خود آقای دولت آبادی فرمودند تحقیق شده که حکام و مأمورین وزارت داخله تعدیات فوق العاده باهالی کرده اند و در مقابل هیچ اقدامی نشده است و بالاخره در جواب تمام این تظلمات که بکمیسیون عریض می شود فقط همان راپورت را که حکام محل می دهند در جواب کمیسیون عریض می فرستد و این راپورت نه کمیسیون قانع می کند نه عارضین را و در واقع یک معطل و بزرگی برای کمیسیون عریض تولید شده است.

حضرت والا فرمودند شکایاتی که از قزوین میرسد کمیسیون رسیدگی نمی کند بنده عرض می کنم کمیسیون عریض و وظائف شود رفتار می کند و همین طور که فرمودند بقامات مربوطه رجوع می کند.

ولی پس از مدتی که طول کشید باز یک جوابی از مأمور محل میرسد که به کمیسیون عریض می فرستند آن جواب هم نه کمیسیون را قانع می کند نه عارضین را خوب است در این موضوع هیئت وزراء یک تصمیمی بگیرند که در جواب شکایاتی که می رسد جواب های کافی و واقعی بدهند که من بعد عارضین تجدید شکایت نکنند و قدری زحمت کمیسیون کمتر شود.

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحیدالملک راپورت کمیسیون عریض متضمن چهار فقره مطلب است اول می خواستم مقام ریاست سؤال کنم که اینها از یکدیگر منفک هستند یا باید بطور کلی مذاکره کرد اگر هم منفک هستند بنده عرض خود را در فقره اول بکنم.

رئیس - البته اگر ترتیبی نوشته شده است مذاکره کنند بهتر است.

وحیدالملک - پس بنده عریض خود را در یکی یکی فقرات می کنم در موضوع شکایاتی که از ولایات می رسد کمیسیون عریض اظهار می کند که این موضوعات بر طبق فقره اول ماده ۶۹ نظامنامه داخلی بوزارت خانه ها رجوع می شود و آن شکایات از طرف وزارت خانهای مربوط رجوع می شود بنام مأمورین محل و آنچه خود مأمورین راپورت می دهند وزارت خانه مربوط همان را مدرک و ماخذ قرار داده و برای کمیسیون عریض می فرستد و اساسا جواب های وزارت خانها کمیسیون عریض را قانع نمی کند بسیار خوب منم این را تصدیق می کنم و با

نظریه کمیسیون عریض موافق در اینکته نباید بجوابهایی که از طرف اشخاص که خودشان طرف شکایت هستند می رسد ترتیب اثر داده شود زیرا این جواب قانع کننده نیست و کمیسیون عریض را که قانع نمی کند سهل است مجلس شورای ملی را هم قانع نمی کند ولی در این که یک قسمت از این شکایات شکایاتی است بی اصل و بی مدرک در این هم حرفی نیست و معنی تردید هم گمان می کنم نباشد. یعنی عبارت آخری این شکایات ناشی از یک مخالفت و اعتراض است که در محل تولید شده و علی رقم یکدیگر اینگونه شکایات و عریض را متدرجا می نمایند ولی از آن طرف قسمت اعظم و بیشتر این شکایات شکایات حقه و مورد است شکایاتی است که در مقابل یک مظالم فاحش یا یک تعدیاتی از مجلس شورای ملی تقاضای دادخواهی می شود آیا باینگونه شکایات و باین گونه تظلمات و دادخواهی ها چه جواب داده می شود بنده بطور کلی عرض می کنم روی هر فقره مردم در ولایات و خارج از مرکز مظلوم و بیچاره اند از روی باز تکرار می کنم که مظلوم و طرف ظلم و تعدی هستند که با آنها ظلم می کند مأمورین دولت با مأمورین دولتند که باین بیچارهها مظالم و تعدی کرده این بدبخت ها را در نتیجه مظالم خود گرفتار و دچار میسازند حالا اینها چرا مظلوم و طرف ظلمند برای این سؤال فلسفه ها و برهانی گفته می شود بعضی میگویند از اثر نجات ملت است من هم تصدیق دارم حقیقه ملت ایران نجیب است زیرا با تمام این شدائد و محن با مشاهده تمام این مظالم و تعدیات باز تحمل و برد باری کرده تمام این ظلمها را بخود هموار کرده و صدایش بیرون نمی آید اما بنده بنده در این مورد نجات مصداق ندارد برای اینکه نشود تحمل ظلم و تعدی را مستند به نجابت نمود و بلکه فلسفه اساسی این است که ملت جاهل است و هنوز بی بصورت حق خود نبرده است پس در واقع از جهالت و غفلت مردم است که با تحمل انواع شدائد و بازسکوت اختیار کرده و بسایک بردباری تمام این مصائب را بخود تحمیل و هموار می کند و یک مسافرت مختصری در داخله و خارجه مملکت صفت عریض بنده را کاملا مشهود و مدلل میدارد در داخله مملکت هیچ چیز خرابی دعات جز ویرانی قراعه قضایات جز تباهی حال مردم و رعایای بیچاره مشاهده نخواهد فرمود در خارج از مملکت نیز بدبخت متواری شده جز خانواده های بیچاره منزه شده که برای پیدا کردن کار و معافیت خودشان از ظلم و تعدی مأمورین بکوشد فراری و منزه شده اند چیز دیگری ملاحظه نخواهد فرمود.

حضرت والا فرمودند شکایاتی که از قزوین میرسد کمیسیون رسیدگی نمی کند بنده عرض می کنم کمیسیون عریض و وظائف شود رفتار می کند و همین طور که فرمودند بقامات مربوطه رجوع می کند.

ولی پس از مدتی که طول کشید باز یک جوابی از مأمور محل میرسد که به کمیسیون عریض می فرستند آن جواب هم نه کمیسیون را قانع می کند نه عارضین را خوب است در این موضوع هیئت وزراء یک تصمیمی بگیرند که در جواب شکایاتی که می رسد جواب های کافی و واقعی بدهند که من بعد عارضین تجدید شکایت نکنند و قدری زحمت کمیسیون کمتر شود.

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحیدالملک راپورت کمیسیون عریض متضمن چهار فقره مطلب است اول می خواستم مقام ریاست سؤال کنم که اینها از یکدیگر منفک هستند یا باید بطور کلی مذاکره کرد اگر هم منفک هستند بنده عرض خود را در فقره اول بکنم.

ولی شخصا خود در این سفر مهاجرت برای المین دیدم که مردم بدبخت دچار گرفتار چه قسم مظالم و تعدیات طاقت فرسا و غیر قابل تحملی هستند در یکی از دهات پیرمردی از دست مأمورین دولت شکایت میکرد و اظهار میکرد فقط راحتی و آسایش موقتی است که مأمورین عزل و احضار میشوند و دیگری بجای او نصب میشود در این فاصله که بین رفتن او آمدن مأمور دیگری بجای او پیدا میشود تا قدری راحت و آسوده هستم و تنها آسایش ما این مدت قلیل است ولی یک کس دیگری هم مظلوم تر و بدبخت تر از ملت است و آن دولت است و بقرینه بنده دولت بدبخت تر و مظلوم تر از ملت است اگر ملت و دولت هر دو از برای معا که نزد قاضی بروند حکم قاضی به مظلومیت هر دو خواهد شد ولی دولت در درین اولو ملت در درین ثانی آن حکم خواهد بود شاید این عریض بنده در نظر آقایان محترم اغراق و مبالغه باشد در حالیکه عین واقع نیست باری عرض کردم مظلومیت ملت ناشی از نجابت وجهات اوست ولی مظلومیت دولت بواسطه فقدان یکمده وسایل و خصائل است فقدان خصائل از رجال مملکت (یعنی بنده و امثال بنده) و فقدان وسایل از جلوگیری ظلم و تعدیات مأمورین سلب مظلومیت دولت و ملت شده پس بطوریکه عرض شد دولت گرفتار محظور و در دست مأمورین خود مظلوم است دولت و ملت هیچکدام نمی توانند از تجاوزات و تعدیات مأمورین جلوگیری کنند یک خصائلی باید در بین رجال سیاسی و بزرگ ما وجود داشته باشد و تا حال ظاهر پیدا نکرده است الان مدت ۱۸ سال است که بنده داخل در سیاست این مملکت هستم در تمام این مدت هر روز دیدم کار از بدتر شده و ابد آرزو نه بهبودی و اصلاحی نمودار و نمایان نیست بلکه هر روز عقب ترمیر و هیچ در این مدت ندیدم فکر و وسائلی برای اصلاحات مملکت بشود در مجلس دوم ماه های دراز بلکه متجاوز از یکسال تمام نشستم فکر کردم باره های اساسی برای اصلاحات مملکت ریختم از قبیل اصلاح مالیات و امتهن زیر آفتاب حقا اصلاحات اساسی را بنویس تراکز دادیم که امتهن و مالیات باشد و برای حصول به مقصود هم زمینه هائی تهیه حاضر شد تا درجه ای هم موقت حاصل شد یکی از موقبت های بزرگ و شایان مجلس دوم همین بود که مجلس شناخت مالیات مملکت باید بطور ترتیب امروزه عالم تنظیم و اصلاح شود و همینطور امتهن مملکت باید بشکل اصول امروزه اداره شود و برای موقبت باین امر هم اقداماتی بعمل آورد که عاقبت در نتیجه همان اقدامات از بین رفت و در مقابل اولتیا تو م روس متلاشی شد ولی از آن روز تا بحال من ندیدم که یک فکر اساسی برای اصلاحات مملکت

حضرت والا فرمودند شکایاتی که از قزوین میرسد کمیسیون رسیدگی نمی کند بنده عرض می کنم کمیسیون عریض و وظائف شود رفتار می کند و همین طور که فرمودند بقامات مربوطه رجوع می کند.

ولی پس از مدتی که طول کشید باز یک جوابی از مأمور محل میرسد که به کمیسیون عریض می فرستند آن جواب هم نه کمیسیون را قانع می کند نه عارضین را خوب است در این موضوع هیئت وزراء یک تصمیمی بگیرند که در جواب شکایاتی که می رسد جواب های کافی و واقعی بدهند که من بعد عارضین تجدید شکایت نکنند و قدری زحمت کمیسیون کمتر شود.

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحیدالملک راپورت کمیسیون عریض متضمن چهار فقره مطلب است اول می خواستم مقام ریاست سؤال کنم که اینها از یکدیگر منفک هستند یا باید بطور کلی مذاکره کرد اگر هم منفک هستند بنده عرض خود را در فقره اول بکنم.

بشود که در نتیجه این مملکت بدبخت از این فرقاب فلاکت امروزی رهائی و نجات یابد.

روح اصلاحات مملکت در مالیه و امنیه است و باید این دو اصل را بشناسیم و با جدو جهد کافی در انجام این مقصد مهم بکوشیم و این دو اداره را بطوری که لازم و شایسته است تنظیم و تشکیل کنیم. زیرا کلیه شکایاتی که می رسد تقریباً ۹۹٪ از این شکایات است که از ولایات و حومه طهران بهر مکر میرسد راجع است به مأمورین وزارت داخله یا وزارت مالیه.

روزانداخته اند حیثیت دولت و ملت هر دو درست این مأمورین است و با این ترتیب هم حیثیت دولت و ملت محفوظ و تضمین نمی شود این است که عقیده بنده باید در این موضوع فکر کلی و اساسی کرد و چنانچه عرض کردم دولت مظلوم است دولت چه کند.

بخوانید این راپورت هائی که از مأمورین مالیه و ولایات میرسد آن وقت ملاحظه خواهید فرمود این امنای مالیه و این عمال خطا کار مال دولت را به مراتب بیشتر از مال مردم غارت کرده و به یقین می برند همین طور مأمورین وزارت داخله آن هم بشرح ایضا

اولاً از یکجا بودجه می گیرند آن هم چه مبلغ گزاف و هنگفت چه بودجه هائی در زمان استبداد و عصر ناصری ابتدا خواب ندیده بودند و در زمان استبداد مردم پول ها می دادند رشوه ها تقدیم می کردند

خرجهها و مصارف دیگر متحمل می شدند تا اینکه یک مأموریت و حکومتی را تحصیل کنند

ولی امروزه چه می کنند آن پول ها را نمی دهند هیچ بلکه در مقابل ماهی ده هزار تومان یا بیست هزار یا سی هزار بلکه پنجاه هزار تومان از دولت ما خود داشته و بر این خزانه تهی تحمیل می کنند بستجید و مقیاس کنید بودجه خودتان را با بودجه مملکت فرانسه مطابقت کنید.

بودجه یک نفر حاکم را بودجه رئیس جمهوری فرانسه رئیس جمهور فرانسه این قدر بودجه ندارد که یک نفر حاکم شما دارد.

مأمورین وزارت داخله شما نه تنها حقوق از دولت می گیرند بلکه امنای مالیه محل می سازند و متحد می شوند و در نتیجه یک اغتشاشات و انقلابات خصوصی در محل تولید و ایجاد می کنند برای این که تحمیلی بر دولت کرده مانع زیادی باین اسم از دولت دریافت دارند.

نگاه کنید بوضعیات و عملیات یک

ساله و دو ساله یک ایالت ولایتی و بینید چه خرجهای فوق العاده بعنوان مختلف برای دولت تراشیده اند. بحساب اینها مخارجی است که در ظاهر یک شکل قانونی باو داده و از دولت دریافت می دارند آن طرف با ملت بدبخت چه معامله میکنند؟ ناچار آقایانی که از ولایات تشریف آورده اند اطلاعات شان در این موضوع از بنده زیادتر است آن وقت ملت را همان طور که در زمان استبدادی چابیدند حالاهم زیادتر و مشروع تر می چابید تنها فرقی که در درین است این است که چپاول زمان استبداد یک چپاول غیر قانونی بود ولی بشما امروزه صورتاً یک چپاول و غارت گری قانونی است حالا چه باید کرد که از این تجاوزات و تعدیات جلوگیری بعمل آورد و ادارات مملکت را بطوریکه شایسته است تنظیم کرد؟ بعقیده بنده هر ساعتی که ماداخل این فکر شویم و در این فکر قدم برداریم آن روز روز سعادت مملکت خواهد بود و نخستین قدم در خدمت واقعی مملکت و اساس حکومت ملی ایران است در ایران حکومت ملی برای چه ظهور کرده؟ فقط برای این بود که رفع ظلم را از سر مظلوم بکنند برای این بود که اساس عدالت و مساوات را در اقطار مملکت جاری و استوار کنند. تمام ما ها این قدر زندگانی کرده ایم که به بینم چه سبب وعلتی اساس استبداد را اساس استبداد چندین ساله و اعصار دوره مظلمه را منقرض کرد و از میان برد؟ آقایان بهتر می دانند اساس استبداد ایران را چه از میان برد و منقرض کرد؟ ظلم آری ظلم استبداد چهار هزار ساله ایران چه شد که یک مرتبه مانند حیابی بروی آب آمد و ترکید؟ استعدا دارم بفرمایند برای چه این تغییر صورت گرفت

حکومت ملی دویک مملکتی چه باید بکند. باید افراد را محفوظ نموده و امنیت آن ها را تضمین کنند. باید مملکت را اداره کنند. ما تا بحال هیچیک از این وظایف را انجام نداده ایم. طرز مالیه و امنیه و عدلیه چنانچه باید باشد اداره نیست. مردم امنیت ندارند. مردم عدالت ندارند. عدلیه ما هنوز کار نمی کند و مرتب نیست. این بطور کلی عریضی در این زمینه عرض می کنم که با آقایان محترم کوشد و خاطر نشان می کنم اول روزی که ما در فکر اساس و اصلاح مملکت برآئیم نخستین ادای وظیفه حقیقی خودمان نسبت باین ملت اول فکر و اول قدم برای اصلاحات گذارندن قانون تشکیلات است.

در مجلس دوم قانون هائی گذرانیدیم تشکیلات جدیدی بعمل آمد ولی هیچ اثری از آن ها باقی نیست و شالوده آن ها هم پاشیده شد مالیات مملکت را ملاحظه کنید چه حال است بلای ممکن است در سه ماه دیگر حریک قانون تشکیلاتی مذاکره کنیم آقای منخبر هم در جای خودشان بما تعرض کنند ما بنوبه خود بایشان تعرض کنیم و بالاخره قانون بگذرد وقتی که گذشت آن وقت قابل اجرا نباشد اما در خود موضوع بنده فکر ها کرده ام که قبل از این که یک فکر قطعی برای اداره کردن مالیه و حفظ تأمینات و طرق و شوارع بشود چه باید بکنیم که در نتیجه کمیسیون عریضی را قانع کنیم و باین شکایات متواتره که همه روزه می رسد ترتیب اثری بدهم و چاره بیندیشیم بنده در اطراف این موضوع خیلی

فکر کردم ولی چون همیشه طرف را ادارات خودمان می بینم از گرفتن یک نتیجه قطعی ما بوسیله چه کنیم که شکایات حقه مردم مسموع واقع شود چه کنیم؟ باز بعقیده بنده امروزه ممکن است از تعدیات مأمورین بوسیله اشتهار بوسیله ذکر قرائت نام آن در مجلس علنی بوسیله تطبیق در مطبوعات جلوگیری کنیم شاید آن وقت ملاحظه کنند شاید فلان آدم از اینکه اسمش در مجلس علنی یادر مطبوعات و جراید برده و خوانده می شود ملاحظه کند شاید همین وسیله تنبیه او و رفتن او گردد آقایان می فرمایند مجازات مجازات را کی باید بدهد؟ من و شما که نمی توانیم مجازات بدهیم مجازات را باید دولت باید بدهد دولت باید اعمال سیاست کند امروزه اصل مجازات در مملکت معقود است و شکایات و عریضی که بکمیسیون عریض می آید باید بر طبق فقره اول ماده ۶۹ نظامنامه داخلی بوزارت خانه های مربوطه رجوع و احواله شود بعقیده بنده بهترین طرق برای ترتیب اثر دادن باین شکایات و جلوگیری از تظاهر و این مقدمات و مرتفع ساختن این ترتیبات این است که کمیسیون عریض من بعد تمام این شکایات وارده بر مردم را فهرست کرده تقدیم مجلس شورای ملی کند و مجلس هم پس از خواندن و ختم صورت جلسه آن ها را قرائت کند و در مطبوعات نوشته شود که بنظر مردم برسد شاید باین وسیله ظالم بقدری ملاحظه کند و یک اثری ظاهر شود ولی در عین حال آنکار نباید کرد که این اثری است که برایشه و اساسی ندارد و آن قدر که باید مفید باشد نیست ضمناً از هیئت دولت فعلی که مر کب از اشغالی بزرگ سیاسی وطن پرست و فعال هستند بخوایم و تقاضا کنیم یک فکر اساسی برای حل غوامض امور مملکتی بنمایند تکراراً عرض می کنم برای اصلاح مالیه برای تضمین امنیت و بالاخره برای اداره کردن مملکت بر طبق اصول امروزه خوبست هیئت معظم دولت فکر اساسی به فرمایند و نتیجه آن را بمجلس شورای ملی بیارند بنده بنوبه خود هیئت دولت را اطمینان می دهم که در هیچ وقت و هیچ زمان یک عده اشخاص جدی مثل آقایان نمایندگان حاضر نه بوده اند که تکیه گاه دولت واقع شوند و حاضر باشند با کمال میل نظریات اساسی دولت را بموقع اجرا گزارانند ما حاضریم استغاثه می کنیم و دعا می کنیم که آن روز و ساعتی شروع بشود که هیئت دولت برای اداره کردن مملکت از ما کمک بخواهد تا ما تمام با نهایت مسرت حاضر شده و دوستی آن مساعدت هائی که می توانیم بمنصه ظهور رسانیم و تقدیم آقایان محترم کنیم و در انجام این مهم با آن هاشرکت

رئیس **الوزراء** مطالبی که این جا مذاکره شد تا اندازه بنده تصدیق می کنم و البته تازجه همینطور است ولی بعضی مطالب را لازم است عرض کنم از بیانات آقای وحیدالملک این طور مستفاد می شد که امنیت نیست بنده این جمله را تکذیب می کنم زیرا بواسطه قشورن نیرومند ما امنیت کامل در سر تاسر مملکت برقرار و حکمفرما است و روز بروز در حال تزلزل است در بعضی ولایات مثل یزد که اشاره فرمودند سرتقهائی شده است البته این را باید در نظر داشته باشند که تشکیلات حالیه قشورنی مامدت هائی نیست که شروع شده و این مدت کافی نبوده است که قشورن در همه جا بسط و وسعت پیدا کند و ممکن است هنوز جاهائی باشد که در آن جا قوا بقدر کافی نباشد ولی دولت کمال جدو جهد را دارد که در همه جا قوای کافی داشته باشد مخصوصاً اخیراً است و یکی مسئله فراسورانی و امنیه و سوار هائی سابق حکومتی است البته آقایان می دانند این مسئله هم بواسطه اعتباری که از مجلس گرفته شده در حدود همان اعتبار برای حکومت بودجه معین خواهد شد و سوارهای حکومتی از بین خواهد رفت و فقره سورانی راه ها مبدل بقوای نظامی و امنیه خواهد شد ولی البته می دانید که تغییر وضعی بوضع و شکل دیگرانی الحصول و قوری نخواهد بود این تغییرات وقت لازم دارد ولی به تمام حکام تکرار شده که در سال جدید دیناری از بابت حقوق سوارهای حکومتی بآنها داده نخواهد شد و باید چند روزی از عید گذشته تمام سواران و قرا سوران هارا بصاحبان معینان نظمی محل تحویل دهند و آن هارا بترتیب جدید در تحت تنظیم در آوردند و امیدوارم که باین ترتیب خاطر آقایان دولت برای حفظ طرق و شوارع کاملاً آسوده و تامین شود اما هر باب شکایاتی که از حکام می رسد همانطوری که در این جا گفته شد مراجعه بحکام و توضیح خواستن از آنها لازم است برای اینکه مسلماً که حاکم راهم مقصر بگیریم در این صورت باز باید از توضیح خواست زیرا ممکن است اصل و ماخذ نداشته باشد و در هر حال سؤال و پرسش از او لازم و ضرور است آن وقت بعد از آنکه از او سؤال شد وزارت داخله مطلب را تحقیق و تفیش کرده مطلع می شود تصویر از کسب و ولی اساساً غالب شکایات واصله بی اصل و مدرک است زیرا شکایات واصله بی اصل و مدرک نشان نمی دهد بدون اینکه حجتی ارائه دهد فقط فریاد میزند اما از ظلم فلان مأمور چه تعدیات و چه مظالم که بن نگردند و کدام صدمات که

وارد نیاروده است وقتی کمی پرسند مدرک توجیهت بازمی نویسد امان از ظلم البته آقایان میدانند این نوع شکایات بی اصل را نباید طرف توجه قرار داد بی ربط فریاد می زنند و شکایت می کنند که فلان شخص یا فلان مأمور مبلغ کزاف از ما گرفته یا فرضا فلان اقدام جا برانه را بر علیه ما کرده در هر حال وزارت داخله باید رسیدگی و تحقیقات کامل کنید شکایاتی که بنده در این مدت تصدی خود دیده ام اولاً خیلی کم بوده و غالباً هم ماخذ نداشته است وقتی که این قبیل شکایات میرسد باید بدو از حاکم و طرف قضیه سؤال شود و از او توضیح خواسته شود و بعد از سؤال از او باید رسیدگی شود این ترتیب هم ممکن است بدو شکل صورت انجام بگیرد گاهی شکایت طور است که تردیدی برای وزارت خانه حاصل میشود در این صورت باید مفتش مخصوص بعمل برود و در گنه مطالب تقبیل رسیدگی بکنند و مراتب را اطلاع دهد جز این چاره نیست زیرا نمی شود رسیدگی کار حاکمی را که مافوق مأمورین محل است رجوع به مأمور دیگری کرد اما به عملیات مأمورین دیگری می شود بجا کم رفتن مفتش هم مستلزم یک مغایری است که باید در بودجه دیده منظور شود و اشخاص صحیح و درست برای تقبیل لازم شود گاهی هم ممکن است تقبیل لازم نیاید و صورت کار طوری باشد که باید حاکم را معزول و منقصل نمود یا معاکمه اداری نمود در این خصوص بطوری که چند شب قبل عرض کردم یک لایحه پیشنهاد به مجلس شده و آقایان خواهش میکنند زودتر این پیشنهاد را بگذرانند و تصویب کنند که در نتیجه یک ترتیب قانونی در وزارت داخله برای این نحو از مسائل باشد که در این قبیل موارد اقدام و عمل شود ولی بطور کلی عرض میکنم شکایاتی که می شود نمی توان گفت نا وارد و بجا است مخصوصاً راجع بمالیات این جا مذاکره شد بعضی مالیات ها و عوارض در زمان فترت وضع و برقرار شده است مکرر عرض کردم دولت نمی تواند حالا آن ها را نقض کند برای اینکه این ها یک مالیات هائی است که برقرار شده حالاً صحیح است یا نه حکمش را مجلس باید بدو بدهد جالباً کسی بونی در این باب در وزارت مالیه بر قرار شده و مشغول مطالعه است بعد از آنکه نتیجه مطالعات کیسیون مزبور تقدیم مجلس شد آنوقت هر طور صلاح مقتضی بداندنداری بدهند دولت هم اجرا می کنند ولی مقصود این است کار از روی دقت و با مطالعه شود ما کداد امنیت را میزنیم و همیشه در توضیح امنیت صحبت می کنیم باید بدانیم امنیت پول لازم دارد اگر مطالعه مالیاتی را حذف کنیم آنوقت یک عایداتی از میان

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - البته آقایان اجازه می دهند قبل از اینکه داخل در این موضوع بشود که بقیه بنده اولین وظیفه هر ذی حسی است چند کلمه قبلاً بگوئیم و برای گفتن این کلمات هر خطری هم که برای من متصور باشد با جان و دل استقبال می کنم زیرا مسئله موضوع حمایت و طرف داری از مظلوم است برای حفظ خودم چندان بیم ندارم زیرا که اصل دوازدهم قانون اساسی را که مصونیت و کلا است علی الظاهر متقدم اما بالاتر از او از اثر حق گوئی و حقیقت سرائی از خداوند قهار و حضرت باری تعالی حمایت می خواهیم

و کفی بالله و کیلا غیر از خدادار نزد من هیچ طرف توجه نخواهد بود و چون موضوع طرفداری از مظلوم است وظیفه دارم بگویم زیرا ما در این جاسم خورده و سوگند یاد کرده ایم حفظ قانون اساسی باشیم تا وقتی که مذهب اسلام را قبول کردیم و ایمان آوردیم باید که بوظیفه اسلامیت خود رفتار و عمل کنیم و این ایمان هیچ وقت از ما سلب نشده و امیدوارم بتوفیق خداوند قهار هیچ گاه سلب نشود اولین اصل اصول اسلامیت حفظ حقوق مظلوم و جمله بر ظالم است اگر آیات قرآن و کلام الله مجید را ملاحظه و دقت فرمائید می بیند این قدر که لمن و نفرین و اظهار نفرین از ظالم شده از هیچ چیز نشده است بنا بر این خواه قانون اساسی بنویسد خواه ننویسد خواه وکیل باشم خواه نباشم خواه بنده قسم خورده باشم خواه نخورده باشم از خداوند متعال توفیق و مسئلت می خواهم که در راه حمایت مظلوم تا زنده ام قدم بردارم و گمان میکنم آقایان و کلا هم در این موضوع با بنده همراه موافق باشند زیرا مکرر گفته ام ظالم حمایت لازم ندارد و فقط مساعی ما باید و صرف حمایت مظلوم و بی گناه شود

اسامتاسفانه اگر یک مطالعه اجمالی در اوضاع مملکت مان کنیم .
آقای وحید الملک ، فرمایش فرمودند که بنده در یک قسمت با ایشان موافقم و ایشان یک مظلوم را دولت فرض کردند و یک مظلوم هم ملت و مردم را بنده یک مظلوم سومی هم نشان می دهم و آن و کلا هستند که از همه مظلوم ترند (صحیح است) زیرا آن ها بار سنگین زمامداری امور جمهور را به عهده گرفته وزیر با اداره کردن مملکت رفته اند این وظیفه با اندازه سنگین و تا درجه دشوار و مشکل است که حقیقتاً بعقیده بنده تحمل ناپذیر و طاقت فرسا است چه که ساعتی که شخص بخواهد این وظیفه بزرگ را با تراکت یا لایقیدی ملاحظه و تلقی کند خداوند قهار و آن منتقم حقیقی و دادرس دائمی آن ملاحظه را در دفتر جمع و خرجش ثبت کرده و در واقع فراموش نشدنی است اگر مردم از ما که وظیفه دار اصلاح امور و حمایت آن هاستیم مواخذ کنند هنگام و موقع دیگری فرا خواهد رسید که مطابق عقیده اسلامی ما از ما بازخواست و پرسش خواهد شد آن روز روز حساب و قضاوت است مذهب اسلام با آن نورانیست متأسفانه از زمانیکه نظامی علیه الرحمه فرمود آرایش و بیرایش تا آخر کنستانتینش با تراکتون خیلی عقب رفته ام و هیچ چیز نداریم مذهب اسلام مذهبی است که علی علیه السلام وقتیکه در واقعه ایثاب

قیصر ابن ضحاک قهری بالشکرش حمله بر ابناء می کند و یک عده از یهودی های آن جا را غارت می کنند گویا یکدست بنده از دست زن بودیده ببردن می آورند علی علیه السلام اول شخص عالم اسلام با آن همه مقامات عالیه و درجات رفیقه بالای منبر تشریف می برند و بعد از خطبه مفصلی امر به جهاد می دهند در ضمن خواندن خطبه نظر هم فرمایند در این واقعه سزاوار است مسلم و مومن طلب مرگ کنند این است مقام و درجه اسلام از علی آموز اخلاص عمل این است مذهب اسلام حفظ و حمایت مظلوم و تساوی حقوق و نگاهداری رها یا با اینکه هیچ گفت گوی مذهب و ملیت در آن جا نبود معنای چون دست بندی از دست زن یهودیه بیرون آورده بودند طالع نیارود و فرمود باید رفع ظلم ظالم را در سر مظلوم کرد خوب حالا خوب است با هوای قهری از در مذهبی جلو بیایم وضعیت را مشاهده کنیم در ظرف مدت پنجاه و شش روز یک هزار دویست عریضه از دست مأمورین ما بمجلس رسیده ما که قبول و کالت کرده ایم و بنا بر وظیفه نماینده گی خود باید حافظ حقوق مردم و قوانین باشیم یعنی باید بگذاریم مظلومین بیچاره دست خوش مظالم ظالمین شده از بین برون بچ کرده ایم بوجه اقدام اساسی برای رفع این مظالم و شکایات نموده ایم فقط مطابق مقررات عادی بوزارت خانهای مربوطه نوشتند و راپورت داده ایم و منتظریم آن ها تحقیقات کرده نتیجه را با ما اطلاع دهند و یک نکت از این عریضه شاید توسط خود بنده رسیده ولی چه نتیجه برای منظمین و متشکیان حاصل شده است عریضه مجددی توسط خود بنده رسیده بود که تقدیم مقام محترم ریاست کردم از سنان و دامغان اطلاع داده اند که دیگر ماشکایاتی به مجلس نخواهم کرد و ضمناً خواهش کردند مرجع دیگری برای تظلمات آن ها نشان بدهیم زیرا بعد از عریضه اولی که سوادش برای وزارت خانه فرستادید وزارت خانه هم برای حکومت فرستاد شبانه حکومت چند نفر مأمور بمنزل من فرستاد مرا بشهر ارضاء کرده چون می دانستم معامله مأمور حکومت با منظمین از چه قرار است شبانه مأمورین را پذیرائی کردن و رفتار از منزل بشهر آمدم صبح وقتیکه مأمورین بر خواستند و اوضاع را این طور مشاهده کرده و بواسطه فرار من حق الزحمه خود را نیافتند دست چپاول دراز و بلالره تمام شیشه های منزل مرا شکستند تمام ظروف و اثاثیه را خورد کرده و انواع صنایع و تجاوزات باهل خانه بنده وارد آوردند از آن طرف وقتی که داخل شهر شدم حاکم بمن گفت کاری با تو ندارم فقط برو در تلگرافخانه وقتی که بتلگرافخانه وارد شدم سایر متشکیان را هم دیدم مثل من در آن جا حاضر کرده و مأمور

سر آنها گذارده اند که با ساخت مجازات شده و علان خواهد خورد یا جدا از حکومت اظهار رضایت مندی کرده و آن چه را که گفتند و نوشته اند قویاً تکذیب کند از شما همی برسم (خطاب بو کلا) اگر چنانچه خود شما هم بجای آن شخص یا بدبخت بودید آیدار اظهار تکذیب تمل می کردید ؟ بنده هم انصاف م دهم با آن برهان فاطح شلاق اگر خود هم بودم تکذیب می کردم و می گفتم خلاف کردم و کمال رضایت را از حاکم دارم باین ترتیب رضایت نامه از ما می گیرند و می فرستند یکی از و کلا آقای ناظم العلماء و کیل ملایر هستند حاضرند و وروروی ما نشسته اند بعد از همه تظلمات نمی توانند احقاق حق خود را بکنند با وجودیکه خودشان روی صندلی و کالت نشسته اند این سند حاضر و این هم کاغذ هائی است که نوشته شده است تلگراف دیگر اینست از تمدی نایب الحکومه که از طرف شاهزاده سالار لشکر فرستادند و یک مفتش باهم با آنجا رفته است و تصدیق کرده که آقای رفعت الدوله وکیل مجلس باشد مفتش از وکیل بالاتر کی است ؟ عین تلگراف آقای رفعت الدوله است که برای مزید استحضار خاطر آقایان قرائت می کنم خدمت حضرت اقدس والا حکومت جلیله همان دامت شوکت که بعد از تقدیم مراتب ارادت و مراسم خلوص عقیدت از راه دولت خواهی یاره مطالب را لازم است برض عالی برسانند خوب است حضرت اقدس والا قدری نایب الحکومه را نسبت بیاره اقدامات نصیحت نمایند با تجاوزاتی در حق رعایای حسن شده بود توسط مردم و عجانا قبول کردند شئون حضرت اقدس والا براتب زیادتر از آن است که یاره مذاکرات خارج از تراکت پیش آید (امضاء رفعت الدوله) با کمال برده یوشی باز مطلب داشتم تلگراف معلوم میشود باز کاغذی میرسد توسط بنده خوب است امضایش را بنام جهت این که فردا حاکم می فرستند میآورد کتکش می زند و می گوید در مجلس علنی تلگراف تو را خوانده اند می نویسند مأمورین حکومتی برای تعداد نفوس که بدعالت رفته اند از هر دهی دهالی بیست الی پنجاه تومان گرفته اند چرا این پول ها را از مردم بدبخت گرفته اند این هم جزء حساب مالیات می آید ؟ بچه جهت باید این تمدی باهالی بشود ؟ اهالی این مملکت یکجا نظام کنند ؟ بکی بگویند ؟ اگر تظلم کنند که حاکم می فرستد حبش می کند کتکش می زند و می گوید برو تلگراف رضایت مغایره کن آقای وحید الملک فرمودند امنیت نیست بنده هم می گویم

امنیت نیست نه بآن معنی که آقای رئیس الوزراء فرمودند هر ساعتی که قانون نقض بشود آن ساعت امنیت نیست زیرا حقوق ما هم حفظ نمی شود (صحیح است) آن ساعتی که حاکم در اقصی نقطه مملکت با بیچاره عارض این طور رفتار کند آن ساعت امنیت نیست و هر کس تکذیب کند بنده او را تکذیب نمی کنم امنیت نیست زیرا اجرای قانون نیست و مظلومین نمی توانند اظهار کنند که به ما ظلم شده اگر هم یک نفر اظهار کرد مجدداً تادیب میشود پس امنیت نیست جایکه از مجرای هدلیه احقاق حق نشود و از مجرای حکومت بشود امنیت نیست هر جا میخواهد باشد هر کس میخواهد باشد وقتی می توان امنیت را تصدیق کرد که مطابق قوانین مقرره حفظ حقوق مردم بشود آن ساعت که بنده توی گوش دیگری بزنم آن ساعت امنیت نیست بجهت اینکه بنده حق ندارم توی گوش دیگری سیلی بزنم ولو اینکه اندازه به کمر بسته باشم امنیت وقتی است که از مجرای قانون حکم اجرا بشود و شخصی که حکم میدهد باید صلاحیت حکم دادن داشته باشد همه کس صلاحیت حکم دادن ندارد صلاحیت شرط است پس باین معنی باز میگویم امنیت نیست بآن معنی که آقای رئیس الوزراء فرمودند و تکذیب کردند وقتیکه حفظ حقوق مظلومین نمی شود امنیت نیست البته این قدر امنیت هست که بحد الله در خانه همان میرویم به مجلس و بر میگردیم و قدری بیشتر از این هم هست که مردم در راهها یکدیگر را نمی زنند بآن معنی که آقای رئیس الوزراء فرمودند امنیت هست ولی آنطور که بنده عرض میکنم نیست زیرا وقتی احقاق حقون و حفظ حقوق مظلومین نشود تمام این تشکیلات و قوانین اداری بی مصرف است مالیات و حقوقیکه دولت میگیرد برای حفظ امنیت احقاق حق مظلومین است وقتیکه احقاق نشود بتمام آن پولهای موقع خرج شده و تشکیلات بی نتیجه خواهد بود وقتی احقاق مظلوم نشود و شخصی را که دستش به مجلس میرسد و عریضه می دهد باز میآورند کتک بزنند و از او عریضه رضایت بخواهند امنیت نیست امنیت نیست بنده امنیت را اینطور ترجمه میکنم و البته بآن معنی که آقای رئیس الوزراء میفرمایند امنیت هست ولی آن ساعتی که یک ماده قانون لغو خود بنده آنوقت را مصدق امنیت واقعی فرض نمی کنم برای اینکه اختلاف نظر حاصل نشود می توانم این قسم امنیت را امنیت صوری اسم بگذاریم و اینکه امروز ما داریم امنیت صوریست و در زمان استبداد و چنگیز خان هم داشتیم ولی آن امنیتی که بنده می گویم نیست

و شاید آقای وحید الملک هم همان نظر را داشتند آن امنیت مملکت مشروطه است که حفظ قانون و آزادی واقعی است الان عرض کردم هزار دویست عریضه شکایت رسیده و اگر مردم قدری آزادی داشته باشند و بدانند که شلاق نخواهند خورد و حفظ حقوق آنها می شود آنوقت می بینید چه قدر تظلم می شود امروز که نتیجه تظلم از حاکم این می شود که او را از تبریز بهراسان و از خراسان با آذربایجان و از آذربایجان بجای دیگر می فرستد مردم این اندازه شکایت می کنند امروز که شاهزاده عهد السلطان حاکم مثل یک یاقی متمدن بدولت می نویسد اگر شما این شخص را مجازات نکنید من او را می فرستم می آورم امنیت نیست در مملکت مشروطه (من) کست (من) قانون است صحیح است یگانه آمر قانون است نه حضرت اقدس والا که شاهزاده عهد السلطان که یکی از ظالمان است و بگوید من می فرستم او را می آورم باید با مشق قانون سر آن من زد و سر او را خورد کرد بنده (من) رانی - شناسم در مملکت مشروطه و مملکتی که مبتدین بدین اسلام هستند (من) کی - است از این جاهمانطوریکه رئیس محترم - مسلمان های علی علیه السلام فرمودند جا دارد که انسان آرزوی مرگ بکند بنده هم عرض می کنم برای حفظ قانون و حقوق مظلوم - حرف خود را می گویم ولو اینکه مرا قطعه قطعه کنند امنیت وقتی است که قانون حفظ شود و در مملکت مشروطه لغت (من) نباید گفته شود هر کس بگوید باید مشق قانون دهان او را خورد کرد عهد السلطان بچه حق می گوید من می فرستم او را می آورم و تعجب در این است که هنوز حاکم است و آیا بچه حق می فرستد یک نفر رعیت مظلوم را می آورند حضرت امیر المومنین علی علیه السلام وقتی باو گفتند دست بند از دست یک نفر یهود را در آوردند فرمودند حق دارد شخص آرزوی مرگ کند بنده بدون این که خواسته باشم مقایسه کنم عرض می کنم وکیل حق دارد سکت کند وقتی بشنود ما برای اینکه حفظ قانون در این جا نشسته ایم نه از برای اینکه بشنویم یک شاهزاده بگوید من می فرستم او را می آورم در مملکت مشروطه شاهزاده ورهیت فرق ندارد قانون و مذهب حکم با سویی میکنند و در مذهب اسلام هیچ فرقی بین مردم نیست و هر کس باشد باید مجازات شود و حدود جاری کنند آتنا صدقنا اصول - اسلامی اعیان نیست و استتار ندارد حکم

خدا بالمره قانون بالمره هیچ وقت در صدر اسلام دیده نشده کسی که خدمات بزرگ هم کرده باشد بگوید چون من این فتوحات را کرده ام از قانون مستثنی هستم هر کس دیده نشان بدهد مطابق قانون اساسی که بر طبق اسلام و اصول مذهب اسلامی است (من) وجود نخواهد داشت سخت ترین نرد و جاسرات این است که کسی در مملکت مشروطه و قانون بگوید من چنین شخصی را باید نیست و نابود کرد یا باید نیست و نابود شد تا دیگر (من) که در مملکت مشروطه پیدا بشود (صحیح است) در این مملکت بحکام حق و قانون مأمورین حکومت مثلاً نیست تومان از رعایا بزور می گیرند بنا بر این امنیت نیست

شیخ اسدالله نماینده اصفهان
امنیت هست ظلم هست سلیمان میرزا - بلی ظلم است امنیت هم هست ولی احقاق حقوق نیست و بدبخت مظلومین در فشار هستند آقای وحید الملک فرمودند استبداد از میان رفته و مثل یک حیاتی تر کیده بنده با نهایت احترام و ادب عرض می کنم اشتباه فرموده اید استبداد مثل حجاب نتر کیده بلکه استبداد مثل یک درخت پوسیده بود که آزادی خودمان یک تنه زدند او را انداخته اما شانه های ترو تازه بالای آن را معدوم نکرده اند و چون زمین مستعم نموده قابل ترتیب بود از این شجره خبیثه در هر جا شاخه قلم زده شد و حالا عوض یک درخت استبداد یک چنگل استبداد داریم زیرا مردم جاهل بودند و موقعی نبود که دولت مردم عالم باشند و زمین هم قابل ترتیب بود این شجره های خبیثه در آن جانثور نمآکرد و امروز چنگل های استبداد داریم هر مأمور جز دولت در هر دهکده از چنگیز - خان مستبدتر است (صحیح است) هر حاکمی هر جارفت با مرکز کاری ندارد ولی بدبختانه استبداد او معدوم نشد و آن شجره خبیثه همه جامبسطا شده همه مملکت را گرفت می فرمایند استبداد از بین رفت هیئات در زمان استبداد تنها حقوقی که یک شخص می دادند هزار تومان بود ولی حالا در کتاب چه حقوقی اشخاص که تازه بما داده اند تصویب نامه هائی که در زمان فترت صادر شده ملاحظه فرمائید هیچ ناصر الدین شاه آنقدر حقوق ندارد هیچ ناصر الدین شاه ضربه به مالیه

ملکت وارد نیاورد هیچ ناصرالدین شاه این اندازه بیت المال مسلمین را غارت نکرده آقایانی که در هیئت وزرا نشسته اند از تیطع تصویب نامه صادر کرده اند و لا لاینقطع نوشته‌های پانصد تومان در حق هر و سیصد تومان در حق زید بدهند که در کتاب چه چاپ شده است و بدست همه ماها داده اند وقتی در آن کتابچه نگاه کنید اگر افران تصور نشود خواهید دید که ناصر الدین شاه در تمام مدت سلطنتش این قدر واجب بر مردم نداده که مادر طرف شش سال ایام قنوت تصویرنامه کرده ایم و مال ملت را بخشیده ایم از طرفی بضر چاق از ملت می گرفته و از طرفی می گفتند فلان قدر برفیق برادر می یا کسی که دیروز مرا مهمان کرده بدهید بیکی که مرادعا کرده یا مستجاب الدعوه است بدهید یا بلانی که شاهزاده یا خان است بدهید بدهید می بدهید هیچ معلوم نبود مال کی است و بچه حق این تصویب نامه‌ها را صادر می کردند در زمان استبداد افلا یک وزیر بقایای داختم کوقتی حکام بیک نقطه میرفتند بقایای مالیاتی را از آنها می گرفتند بدبختانه در مملکت مشروطه اینطور وزیر بقایا راهم نداریم بدبختانه مشروطه شدیم نه مستبد بنده که اسم این طور حکومترا هنوز پیدا نکردم همین حال است که ملاحظه می فرمائید مالیه مملکت کجا است حساب مالیه را کی رسیدگی می کند؟ هیچ معلوم نیست بنده در این جا مکرر فریاد زده ام چرا کسانی که باندازه بلزیک اراضی دارند مالیات نمی دهند فلان آقا صاف در کوچه و خیابان راه میرود و بیست کرور مال دولت نزد او است و نمی دهد چرا؟ برای اینکه مملکت مشروطه است اگر ناصرالدین شاه بود افلا از ممتد الدوله فرهاد میرزا عویش بیست هزار تومان را می گرفت حالاهر مامور و هر کس داخل کار میشود اول مستبد است و باندازه ناصرالدین شاه بلکه به مردم ظلم می کنند پس از این مردم کجا بروند و بکی شکایت کنند بنده از اینکه بگمبه آمال خود و بجلس شورای ملی شیداللهار کانه هم مظلم میشوند هیچ نتیجه ندارد و باید مجدداً بنده مینویسند و بنده هم با آقای رئیس بدهم در این صورت آیا استبداد از بین رفته خیر رفته بلکه آن استبداد آن شجره خبیثه تجربه شده و جنکها ترتیب شده بنده که نمی دانم اسم این مملکت را چه باید گذاشت بسیار خوب می فرمایند مالیاتی است عمروی وضع کرده و زیدی معمول داشته و در جواب کمیسیون عراض هم می نویسند تا مجلس در این باب تصمیمی نگرفته نمیشود کاری کرد بنده تعجب می کنم شنیده ام سابقاً در همدان عین القضاة گفته اند واز یک قسمت کیسه را همدان صالی پنجاه تومان پول خون اورامی گیرند ما هم در دوره مشروطیت همان مسئله داریم تعجب می کنم فلان آقا آمده فلان

مالیات را وضع کرده ما هم همیشه بدهیم خیر صاف و ساده عرض می کنم برای مملکت ترتیبی لازم است که دوره قنوت پیدا نکند و اگر مجلس شورای ملی همیشه باقی بماند باید هموم مردم بدانند که در غیاب مجلس یک دینار نباید بدهند و تا مالیات و جمع و خرج مملکت تصویب مجلس نرسیده نباید یک دینار قبول کنند و باید تمام مردم بدانند مالیات را هر ساله وضع می شود و بودجه برای یکسال است قانون اساسی اینطور می گوید بنده از خودم اختراع نکرده ام هر سال که مجلس بودجه رای نداده مردم نباید مالیات بدهند هم جمعش را نباید بدهند و هم خرج را نباید دولت بکند مجلس باید بودجه هائی را که رای نداده قبول بکند و مؤاخذه کند اگر مالیاتی است که مجلس رای نداده نباید اهالی بپردازند ۹ ماه است مجلس داریم خوب بود افلا در ظرف این مدت صورت مالیات‌ها را می آورند در مجلس یا رد می کردیم یا قبول با وجود اهمیتی که بنده شورای عالی معارف میدهم ای کاش که قانون شورای معارف را کنار می گذاشتم و مالیات‌ها را اصلاح میکردیم و بچه جهت در این مملکت مردم این مالیات‌ها را بدهند؟

بنده که بجز قانون اساسی قسم یاد کرده ام با این ترتیب بطور حافظ قسم خود و زمه دار یک قسمت از کارهای مملکت خواهم بود؟ چه اورحافظ حقون مردم خواهم بود؟ مگر این اصل قانون اساسی نیست اصل هیچدم تصفیه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیات‌ها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنین ممیزی های جدید که از طرف دولت اقدام خواهد شد تصویب مجلس خواهد بود مگر این قانون اساسی نیست؟ اصل نود و چهارم - هیچ قسم مالیات برقرار نمی شود مگر بمسک قانون در مقابل قسمی که خودم ام چه جواب بدهم وزارت مالیه مراجعه می شود جواب می دهند تا مجلس این قبیل عوارض را نسخ نکند وزارت مالیه ناچار است این قبیل عوارض را مأخوذ نماید بچه جهت ناچار است؟ چه طور مجلس شورای ملی اینرا نسخ بکند؟ نسخ در مقابل این است که اول قبول کرده باشد بدهد نسخ بکند چه چیزی نسخ کنیم چیزی را که من خبر ندارم و مطابق عقیده خودم رای نداده ام و بگفته ام مردم بدهند چیزی را که قبول نکرده ام چه طور نسخ بکنیم؟ این چه تکلیفی است بر عکس عوض این جواب باید نوشته باشند مالیات‌ها پیشنهاد شد و تقاضای قوربت میکنم که بقوربت رد یا قبول نماید.

مشار السلطنه - پیشنهاد شده
سلیمان میرزا - بلی پیشنهاد شده
ولی بدانند ما هنوز نمی دانم کجا است و کی

تصویب خواهد شد! همین قدر دل خوش هستم که پیشنهاد شده مأمور هم توی سر رعیت می زند و پول می گیرد شاید ما آخر دوره تقنینیه این دفعه هم این پیشنهاد بمجلس نیاید در این صورت بچه جهت مردم باید بدهند

اصل نود و چهارم قانون اساسی می گوید هیچ قسم مالیات برقرار نمی شود مگر بمسک قانون اصل نود و پنجم می گوید مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون معین و مشخص خواهد نمود بچه جهت باید فلان الدوله و فلام السلطنه مالیات خود را بدهند توی کوچه راه بروند؟ برای اینکه املاکش زیاد است و بنده باندازه وظیفه خودم میگویم غلط است و خواهم گفت کسیکه یک دینار از مالیه مملکت پیش او باشد ظالم است و بر علیه او هستم و او هم هر چه بر علیه من دارد بگوید زیر او ظانف خود را انجام دهم و از یگانه قادر مطلق کمک میخواهم اصل نود و ششم میزان مالیات را هم ساله مجلس شورای ملی با کثرت تصویب و معین خواهد نمود این مسئله است که همیشه بنده یاد آوری میکنم میزان مالیات میزان خرج نیست این مالیات‌ها را و لو مالیات ارضی و دائمی باشد باید همه ساله مجلس اجازه بدهد که این مالیات‌ها را دولت بگیرد تا مجلس اجازه اخذ او را ندهد تا بودجه قبل از شروع سال تصویب نشود نباید مردم بدهند و بنده هنوز مالیات عین النضای تصدیق نکرده ام و هیچوقت تصدیق نخواهم کرد که بدبخت مردم بی جهت یک مالیات عجیب و قریب بدهند

اصل نود و هفتم - در موارد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد من مدعی اشخاصی که املاک زیاد دارند و حسابشانرا نمی پردازند هستم نه مدعی شخصی مطابق قسمی که خورده ام باید این اصول قانون اساسی را حفظ کنم هر کس هست هر جاست باید مالیاتش را بدهد معافیت هم غلط است من قسم خورده ام حافظ این اصل باشم اصل نود و هشتم میگوید تخفیف و معافیت از مالیات منوط به قانون مخصوصی است و خوب است مردم این موارد را حفظ داشته باشند بنابراین اصل نود و ششم را باز می خواهم میزان مالیات را هم ساله مجلس شورای ملی با کثرت تصویب و معین خواهد نمود باید مردم بدانند که تا مجلس در بودجه یک مالیاتی را رانی نداده هیچکس نباید بدهد و هیچکس هم نمی تواند بگیرد اصل نود و نهم غیر از موافقی که قانون صراحتاً مستثنی میدارد بهیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمی شود مگر هم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلندی دیگر از این صریح تر میشود نوشت ممکن است به نظر بنده صریح باشد ولی در نظر دیگران این هم از غوامض امور مالیاتی باشد بنا بر این چون این مواد نقض شده است بنده می گویم امنیت بمنای واقعی نیست

وقتی این قانون حفظ نمی شود مشروطه یعنی چه؟ شیر بی دم سردر شکم که بدبختی که هیچکدام از این مواد قانون اساسی حفظ نمی شود بنده نمی دانم اسم این مملکت مشروطه است یا استبداد یا یک چیز دیگر است؟

باری پس از همه این دادوبی داد که که می دانم فایده ندارد و خودم را خسته کردم و احقاق حق مظلومین آن طور که دلم می خواهد نمی شود تاکنون یک اهلائی در روزنامه از طرف دولت ندیدم ک نوشته باشد چون فلان الملك و فلان الدوله امین مالیه یا حاکم مل مردم را برده بود و یا تمهیدی و زدی کرده بود محکوم شد و به فلان مجازات رسید و ابداً مصدر شغلی نخواهد شد و بد ما از حق انتخاب معروم است بنده یک روز در این جا عرض کردم در مملکت ماهه بری الله هستند اگر آقایان یک نفر مقصر سراغ دارند بگویند و هیچ دیده نشد که در موقع انتخاب بیک شخص بگویند چون تو محکوم بیک جنحه یا جنایتی شده حق انتخاب کردن نداری و بتو تعرفه نمی دهم الحمد لله مملکتی داریم چون بهشت برین یک نفر مقصر و محکوم بیدانی شود همه اشخاص مکرر و عالی مقام و فقط خیالی که دارند این است که یک حقوقی از بیت المال مسلمین به گیرند و همه فکر منان این است که دستان بوزارتی یا یک حکومتی بندشود و با لظیفه ماهی دو بیست سیصد هشتصد تومان حقون از برای خود درست کنیم و تأمین آتیرا بکنیم و راحت برویم گوشه خانه بنشینیم و دعا گو باشیم چه قدر مشروطه چیز خوبی است ماهی سیصد تومان برای من واجب معین کرده است بدون هیچ کاری در خانه ام نشسته ام و می خورم و رعیت بیچاره باید هر یک قرانش را بوسیله شکنجه بدهد این است نتیجه دوره شش ساله گذشته و بد بختانه باید با نهایت تعجب و تاز گفت این است نتیجه آرزوهائی که ما برای این مملکت داشتیم تا آن آرزوهائی که بر سر آنها ملك المتکلمین‌ها و میرزا خانگیر خان‌ها و آقای سید هریز الله‌ها و آقا سید محمد آقا و حاجی میرزا ابراهیم آقا و کبیل آذربایجانی و سایر شهدای راه آزادی کوشیدند و کشته شدند و این است نتیجه زحماتی که سایرین کشیدند که حاضرند یا غایب و نتیجه آن فداکاری‌ها و رحمت‌ها این است که امروز می بینم اگر مقصود ما این بود نمودن الله باز با کمال ارادت به آقای وحید الملک عرض می کنم که یک جمله دیگرشان نیز مورد اشکال بود و آن جمله این بود که می فرمودند در دوره ما بعد از مطالبات لازمه یک شالوده برای امنیت و مالیه که امروزه داریم بنده که آن دوره چنین آرزوهائی نداشتم و گمان نمی کنم آقای وحید الملک هم مقصودشان این بود و خود ایشان هم چنین آرزویی

نداشتند و بنده گمان می کنم سوء تفاهم برای بنده واقع شده و ابداً آقای وحید الملک هم نمی خواستند چنین فرمایشی بفرمایند که آرزوهای مجلس دوم در اجرای قوانین با ترتیب مالیه مثل ترتیب امروزه باشد نمودن الله زیرا ترتیب امروزه و بهیچ چیز شباهت ندارد و نزدیک است بنده با همه ادعای آزادی خواهی با همه صحبت‌ها زمان ناصرالدین شاه را آرزو کنم شاید تصور کنند افران می گویم ولی افران نیست بی پرده حقیقت واقع را می گویم و تصور می کنم فریاد و ناله مظلومین این مملکت را ترجمه می کنم که در زیر دست ظالمان فریاد می زنند ما همان دعا کنند کافی هستیم که در این جا نشسته ایم چه از وزیر چه از وکیل همه می گوئیم محافظ حقوق شمارا می کنیم ما این مسئولیت را بگردن گرفته ایم و باید رفع ظلم از مردم بکنیم اینک بنده فریاد می زنم برای آن ها است و می گویم اگر صدای شماها نمی رسد بنده بنام شرافت را غنیمت می دانم و عرض می کنم ماراضی بهیچ یک از این مظالم که بشما وارد میشود نیست ولی چه کار کنم آقای وحید الملک فرمودند مردم مظلوم هستند دولت و وزرا هم مظلومند بنده بکی و بکنفر هم ضمیمه می کنم و عرض می کنم و کلام مظلومند پس این مردم بدبخت چه بکنند؟

مردم خودشان باید در فکر اصلاح کار خود باشند و حفظ حقوق خود را از وکلای خود بخواهند بنده گمان می کنم تا اندازه وظیفه خود را انجام داده ام ولی البته هزار یک خدماتی که باین مردم رسیده شرح ندادم ما باید حفظ حقوق کسانی را که زمه دار شده ایم بنمائیم و بایستی بدانیم سنگینی این مشرلیت چه قدر است و از جان و دل باید سعی کنیم حفظ حقوق مظلومین بشود.

رئیس چون جمعی از آقایان اجازه خواسته اند و مطلب هم مهم است اگر آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتیه روز پنجشنبه سه ساعت بشرو بمانده خواهد بود

(مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

جلسه هشتم
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و پنجم برج حوت ۱۲۰۰ مطابق شانزدهم شهر رجب ۱۲۴۰

مجلس و وساعت قبل از قروب در تحت ریاست آقای مومنین الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۴ حوت را آقای ملک آرائی قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا خیر
آقای حاج امین التاجار